

حقوق مدنی

«۴»

«الزامات خارج از قرارداد»

بر اساس:

«متن تمام مواد مرتبط»^۱

«آموزه‌های دکتر کاتوزیان، دکتر شهبازی و دکتر برادران»

گردآوری، تایپ و ویرایش: داود بلدی

رتبه بیست و چهار کانون وکلای خوزستان ۱۳۹۴

^۱ - مواد مطروحه در این جزوه: ماده ۳۰۱ تا ماده ۳۳۷، بعلاوه سایر مواد مرتبط قانون مدنی و دیگر قوانین مرتبط.

- ✍ این جزوه صرفاً برای آزمون وکالت [که آزمونی قانون محور است] مهیا گردیده است؛ بنابراین برای آمادگی جهت آزمون های حقوقی دیگر، باید به منبع خاص آن آزمون نیز توجه کرد؛
- ✍ در این جزوه سعی شده است بدون حذف نکته های مهم، مطالبی ساده و روان در اختیار شما دوستان قرار بگیرد؛
- ✍ در مواردی که مبحث، به قانونی غیر از قانون مدنی مرتبط باشد، مواد قانون مرتبط، به صورت پاورقی آمده است؛
- ✍ در نوشتن جملات و متن مواد در این جزوه دقت بسیاری شده و حتی چندین بار ویرایش شده است، اما مطابق قاعده عام! خالی از اشکال نمی باشد؛
- ✍ کلمات و عباراتی که بین [کروشه] در متن مواد نوشته شده است، برای فهم راحت تر مواد است و جزء ماده نمی باشد؛
- ✍ بهترین مکمل این جزوه، تست قانون مدنی از دکتر محمد حسین شهبازی است؛
- ✍ بدیهی است با مطالعه این جزوه، مطلقاً از مطالعه گنجینه دکتر کاتوزیان (قانون مدنی در نظم کنونی)^۱ و سایر کتب وی و کتب اساتید دیگر بی نیاز نمی شویم؛
- ✍ پیشنهادات و انتقادات (ایرادات) همه دوستان و صاحب نظران را در Pandpnu@yahoo.com پذیرا و پاسخگو هستم.

داود بلدی - زمستان ۱۳۹۴

موفقیت چیزی نیست جز:

- ✓ داشتن هدف؛
- ✓ برنامه ریزی دقیق و منعطف؛
- ✓ اجرای برنامه با پشتکار قوی؛
- ✓ حفظ انگیزه و عدم ناامیدی در تمام مسیر.

^۱ - ضمن مطالعه مواد قانون مدنی، رجوع به حاشیه های دکتر کاتوزیان در «نظم کنونی» فراموش نشود.

« فهرست »

صفحه	عنوان
۵	ایفای ناروا
۷	اداره مال غیر
۸	غصب
۲۲	اتلاف
۲۴	تسبیب
۲۶	استیفاء
۲۸	استفاده بلاجهت
۲۹	موادی از قانون مجازات
۴۰	قانون مسئولیت مدنی
۴۶	قانون بیمه اجباری

من هرگز خسته نمی شوم؛
به هر تعداد که لازم باشد قدم
بر می دارم.

موضوعات مدنی «۴» «ضمان قهری»

➔ ایفای ناروا، اداره مال غیر، غضب، اتلاف، تسبیب و استیفاء.

ضمان قهری

⊖ ضمان قهری یعنی مدیونیت و مسئولیتی که به مناسبت فعل ضرر بار که شخص مرتکب شده است به حکم قانون برای او پیدا می شود؛

⊖ ضمان قهری یا «مسئولیت مدنی به معنای اخص» در مواردی به کار می رود که رفتار یک فرد و عملکرد او موجب ورود زیان به دیگری شده باشد، بنابراین اساس مسئولیت مدنی، مسئولیت جبران خسارت است؛

⊖ به طور کلی هرگاه این مسئولیت [مسئولیت به جبران ضرر و زیان] به مناسبت اجرای یک قرارداد یا نقض تعهد قراردادی یا تقصیر در اجرای قرارداد بوده باشد، آن را مسئولیت مدنی قراردادی، و هرگاه این مسئولیت مربوط به قرارداد نباشد، بلکه فرد صرفاً با رفتار خود در اجتماع موجب ضرر و زیان به دیگری شده باشد، آن را مسئولیت مدنی غیر قراردادی یا الزامات خارج از قرارداد یا ضمان قهری می نامیم؛

⊖ جمع هر دو مسئولیت [مسئولیت مدنی قراردادی + مسئولیت مدنی خارج از قرارداد] می شود مسئولیت مدنی به معنای عام کلمه؛

⊖ در هر حال در هر مورد که بحث مسئولیت مدنی مطرح باشد، در آن جا مسئولیت به جبران خسارت مطرح می باشد؛

⊖ در مسئولیت مدنی اهلیت شرط نیست، زیرا قصد انشایی مطرح نمی باشد، بنابراین در مسئولیت مدنی به معنای خاص کلمه [ضمان قهری] محجورین هم مانند سایر اشخاص مسئولیت مدنی دارند.

تفاوت مسئولیت مدنی با مسئولیت کیفری

⊖ همان طور که گفته شد، در مسئولیت مدنی بحث مسئولیت فرد به جبران ضرر و زیان مطرح است و لاغیر، اما در مسئولیت کیفری، شخص کاری کرده است که فعل او از نظر قانون مجرمانه توصیف می شود: مانند سرقت، کلاهبرداری و...؛

نسبت بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری عموم و خصوص من وجه برقرار است، به این معنا که: برخی از اعمال اشخاص مسئولیت مدنی ایجاد می کنند، اما مسئولیت کیفری ایجاد نمی کنند: زیرا سوء نیتی که رکن توصیف عمل به عنوان جرم باشد وجود ندارد: مانند اتلاف غیر عمدی مال دیگری. بالعکس برخی اعمال از آن حیث که منافی نظم اجتماع هستند جرم توصیف می شوند و از آن حیث که موجب ضرر و زیان مدعی خصوصی هستند مسئولیت مدنی تولید می کنند: مانند سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و تخریب عمدی اموال و ... و از طرف دیگر برخی از اعمال مسئولیت کیفری ایجاد می کنند اما مسئولیت مدنی ایجاد نمی کنند مانند: ولگردی، تکدی گری، برخی از جرایم سیاسی و ...

ایفای ناروا

ایفای ناروا در مقابل ایفای ۱۹؛

ایفای ناروا در جایی است که کسی به دیگری مدیون نباشد، دینی را به او ادا کند؛

پس دو نفر در ایفای ناروا وجود دارند؛ گیرنده مال و دهنده مال؛

دهنده مال یا به تصور این که مدیون است [اشتباهاً]، دین را پرداخت کرده و یا این که می دانست که بدهکار نیست اما در اثر اجبار دین را پرداخت کرده است؛

اشتباه در پرداخت: اساساً چنین دینی وجود نداشته یا وجود داشته اما ابراء شده است یا بدهکار شخص دیگری بوده و پرداخت کننده ملزم به چنین پرداختی نبوده است؛

گیرنده مال یا عالم به عدم استحقاق خود است و یا جاهل.

ماده ۳۰۱: کسی که عمداً [عالم] یا اشتباهاً [جاهل] چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را به مالک تسلیم کند.

مفاد ماده ۲۶۵ ق.م.ا و دلالت پرداخت بر وجود دین قبلی سبب می شود که مدعی ناچار شود اشتباه خود را در پرداخت اثبات کند، مگر این که بتواند از راه دیگری (از جمله اثبات اکراه یا حيله) به همان نتیجه برسد و دلالت پرداخت بر وجود دین را خنثی می کند.

^۱ - ماده ۲۶۵ ق.م.ا: هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر [اماره] در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون این که مقروض [مدیون] آن چیز باشد می تواند استرداد کند.

⊕ در این ماده گیرنده مال را در دو حالت علم و جهل به عدم استحقاقش می گوید، اما در ماده بعد [۳۰۲] دهنده مال را که در حالت جهل است بیان می کند؛

⊕ گیرنده مال چه در حالت علم به عدم استحقاق و چه در حالت جهل بر این موضوع، ضامن است و ید او ید ضمانی محسوب می شود؛ احکام غصب بر آن جاری است [ماده ۳۰۳ ق.م.].

ماده ۳۰۲: اگر کسی که اشتبهاً خود را مدیون می دانست آن دین را تادیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید.

★ این ماده ناظر به موردی است که گیرنده طلبکار است و دینی وجود دارد اما پرداخت کننده مدیون آن نیست و از آن نباید استفاده کرد که اشتباه پرداخت کننده رکن اساسی ایجاد حق استرداد است.

⊕ در حالتی که پرداخت کننده به مدیون بودن خود آگاه باشد؛ دو حالت دارد؛ یا قصد او تبرعی بودن پرداخت است و یا مشمول ماده ۳۰۶ ق.م. [اداره فضولی، به شرط جمع بودن شرایط آن] می شود؛

⊕ پرداخت دین معلق، پیش از وقوع معلق علیه، ایفای ناروا و قابل استرداد است؛

⊕ پرداخت دین موجل: چون دین موجل پیش از رسیدن اجل، دین موجودی است که تنها پرداخت آن به تعویق افتاده و در موارد شایع که اجل تنها به سود مدیون است وی می تواند از اجل بگذرد و دین را پیش از سررسید پرداخت کند و چنین پرداختی ناروا نیست، اما اگر پرداخت پیش از موعد به اشتباه یا در اثر تقلب و حيله صورت گرفته باشد قابل استرداد است.

ماده ۳۰۳: کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است، اعم از این که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل.

★ معیار تعیین میزان مسئولیت متصرف ضروری است که به مالک وارد آمده، نه منفعتی که او از تصرف برده است.

★ طبق این ماده گیرنده چه عالم باشد و چه جاهل، مانند غاصب است و یدش ضمانی است؛ یعنی مطلقاً مسئول است و اثبات وجود حادثه خارجی و قهری در تلف مال و حسن نیت گیرنده از مسئولیت او نمی کاهد و بی فایده است. علم و جهل گیرنده فقط در ماده ۳۰۵ ق.م. در مورد مخارج نگهداری مال موثر است.

ماده ۳۰۴: اگر کسی که چیزی را من غیر حق دریافت کرده است، خود را محق می دانسته لیکن در واقع محق نبوده [جاهل برده] و آن چیز را فروخته باشد معامله فضولی و تابع احکام مربوطه به آن خواهد بود.

⊕ فقط منطوق این ماده درست است و مفهوم مخالف آن حجت نیست؛ گیرنده مال چه در صورت جهل و چه در صورت علم به عدم استحقاق خود، اگر مال را بفروشد معامله او فضولی و تابع احکام فضولی است.

هزینه نگهداری مال غیر

ماده ۳۰۵: در مورد مواد فوق [در ایفای ناروا]، صاحب مال [دهنده مال] باید از عهده مخارج لازمه که برای نگاهداری آن شده است برآید [اصل بر جهل متصرف]؛ مگر در صورت علم متصرف به عدم استحقاق خود.

- ⊕ علم و جهل متصرف به عدم استحقاق خود، فقط در مورد مخارج نگهداری از مال موثر است؛
- ⊕ اگر متصرف عالم باشد: مخارج نگهداری از مال با خود متصرف است؛ بنا بر قاعده اقدام؛
- ⊕ اگر متصرف جاهل باشد: مخارج فوق با صاحب مال است؛
- ⊕ اصل بر جاهل بودن متصرف است و مدعی عالم بودن متصرف، باید علم او را ثابت کند؛ در همه جا بین علم و جهل، اصل بر جهل است.
- ⊕ الزاماً هر مالی هزینه نگهداری ندارد؛ این بحث فقط در اموالی مطرح می شود که برای نگهداری مخارجی لازم داشته باشد.

اداره فضولی مال غیر

- ➔ اداره مال غیر: نوعی استیفای صاحب مال، از اقدامات شخصی است که آن را مدیر فضولی می نامند؛
- علل نگرفتن اذن فضول از مالک: عدم دسترسی به مالک، و یا این که تاخیر موجب ضرر مالک بشود و ...؛
- با جمع شدن این شرایط مدیر اگر مال را اداره کرد، می تواند مخارج را از مالک بگیرد؛ بین مالک و مدیر فضول هیچ عقدی وجود ندارد؛ که به آن واقعه حقوقی ارادی می گویند. البته ناشی از قانون [ناشی از ماده ۳۰۶ ق.م.ا]؛

مجموع شرایطی که مدیر فضول مستحق اجرت المثل می باشد:

۱. مالک به عللی از قبیل: محجور و یا پیر بودن، غایب بودن، ناتوان بودن و ... نمی تواند مالش را اداره کند؛
۲. ضرری بالفعل مال را تهدید کند؛
۳. مدیر فضول به صاحب مال دسترسی نداشته باشد؛
۴. عدم دخالت یا تاخیر در دخالت موجب ضرر و زیان صاحب مال بشود.

ماده ۳۰۶: اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آن ها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند، باید حساب زمان تصدی خود را بدهد، در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تاخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت، ولی اگر عدم دخالت یا تاخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است.

- ➔ شبه عقد: عملی ارادی و مشروع است که بی آن که اعلام توافق و دو اراده در میان باشد، تعهد ایجاد می کند.

ضمان قهری

ماده ۳۰۷: امور ذیل موجب ضمان قهری است:

۱. غصب و آن چه که در حکم غصب است؛ [واقعه حقوقی ارادی].

۲. اتلاف؛ [واقعه حقوقی ارادی].

۳. تسبیب؛ [واقعه حقوقی ارادی].

۴. استیفاء. [از کار دیگری و یا از مال دیگری] - [واقعه حقوقی ارادی].

⊕ در سه مورد اول شخص فعل ضرر بار انجام داده، اما در مورد استیفاء، فرد از مال دیگری استفاده کرده و یا از کار دیگری که محترم است استفاده کرده و اجرت آن را پرداخت نکرده است.

غصب

⊖ تعریف غصب دارای سه رکن است: استیلاء، بر حق غیر و به نحو عدوان: مانند سرقت.

استیلاء:

⊖ استیلاء یعنی سلطه یافتن و تصرف کردن. غاصب باید مالی را تصرف کند تا غصب واقع بشود. صرف ممانعت مشمول غصب نمی شود، اما ضمان از باب تسبیب و اتلاف هم چنان باقی است. ماده ۳۰۹ ق.م؛

حق غیر:

⊖ طبق ماده ۳۰۸ ق.م. گستره غصب خیلی وسیع است و فقط شامل اشیاء نمی شود و حقوق مالی را نیز در بر می گیرد؛ چون حق از مال گسترده تر است. مانند حق انتفاع؛

به نحو عدوان:

⊖ به نحو عدوان یعنی غاصب عالم بر بی حقی خود باشد. پس اگر فرد به تصور این که جواز تصرف دارد در مال غیر تصرف کند، غاصب نیست بلکه در حکم غاصب است.

ماده ۳۰۸: غصب استیلائی بر حق غیر است به نحو عدوان. اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.

اثبات ید بر مال غیر:

❧ «شبه غصب» یا «در حکم غصب»: مربوط به جایی است که شروع استیلا به اذن مالک باشد ولی بدون

مجوز و پس از قطع اذن [انکار یا امتناع از رد] ادامه یابد. مواد ۳۱۰ و ۶۳۱ و ۲۷۸ ق.م.ا^۱

• در مورد شبه غصب [در حکم غصب]: ممتنع یا منکر از زمان امتناع یا انکار در حکم غاصب است.

نمونه های دیگری از «در حکم غصب»:

♣ در جایی است که یک معامله فضولی منعقد می شود: اگر خریدار [اصیل] جاهل باشد، ید او ضمانی و در

حکم غصب است. ماده ۳۲۵ ق.م.ا^۲

♣ مقبوض به عقد فاسد نیز در حکم غاصب است.

ماده ۳۱۰: اگر کسی [امین] که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آن ها در دست اوست منکر گردد [یا امتناع کند]، از تاریخ

انکار [یا امتناع] در حکم غاصب [شبه غصب] است.

⊕ این ماده مشمول بند دوم ماده ۳۰۸ ق.م.ا می باشد؛ در حکم غصب.

^۱ - مواد ۶۳۱ و ۲۷۸ ق.م.ا

❧ ماده ۶۳۱ ق.م.ا هرگاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد، مثل مستودع است: بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجر، قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آن ها ضامن نمی باشد، مگر در صورت تفریط یا تعدی؛ و در صورت استحقاق مالک به استرداد، از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود، اگر چه مستند به فعل او نباشد؛

❧ ماده ۲۷۸ ق.م.ا اگر موضوع تعهد [تسلیم] عین معینی باشد، تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد [امین] می شود، اگر چه کسر و نقصان داشته باشد، مشروط بر این که کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد، مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است. [عاریه طلا و نقره ماده ۶۴۴ و شرط ضمان ماده ۶۴۲] ولی، اگر متعهد با انقضای اجل و مطالبه، [ماده ۳۱۰] تاخیر در تسلیم نموده باشد، مسئول هر کسر و نقصان [حتی فورس ماژور] خواهد بود [از زمان انکار] اگر چه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد.

^۲ - ماده ۳۲۵ ق.م.ا: اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او [مشتری جاهل] نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع [فضول] رجوع کند اگر چه میباید نزد خود مشتری تلف شده باشد؛ و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، بایع حق رجوع به مشتری [جاهل] را نخواهد داشت.

ممانعت از حق

ماده ۳۰۹: هرگاه شخصی مالک [صاحب حق] را از تصرف در مال خود مانع شود، بدون آن که خود او تسلط بر آن مال پیدا کند، غاصب محسوب نمی شود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیت ضامن خواهد بود.

⊕ علت این است که غاصب باید بر مال استیلاء داشته باشد تا عنوان غصب بر آن جاری شود و با صرف ممانعت غصب واقع نمی شود؛

• مثال: شخصی مانع صاحب خانه ای از ورود او به خانه اش می شود و ممنوع شب را در هتل به سر می برد که وی می تواند برای هزینه هتل به مانع رجوع کند.

مسئولیت غاصب

ماده ۳۱۱: غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید؛ و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت [بدل] آن را بدهد؛ و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل [بدل حیلوله] آن را بدهد.

⊕ ید غاصب ضمانتی است و در هر حال مسئول است. به مسئولیت غاصب مسئولیت عینی، مطلق یا محض می گویند؛

⊕ در غصب، آخرین غاصب متعهد به رد عین مال و سایر غاصبین، متعهد به فعل ثالث (آخرین ثالث) هستند؛^۱

⊕ غاصب نمی تواند قوه قاهره را مستند فعل خویش قرار دهد.

حالات مسئولیت غاصب

عین مال موجود است:

⊖ غاصب باید عین مال را پس بدهد، خواه زیاد شده باشد و خواه کم. در مورد کم و زیاده، ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ حکم می کنند؛

^۱ - یعنی آخرین غاصب [کسی که مال در دست اوست و یا در دست او تلف شده است]، مدیون اصلی است و غاصبین سابق بر آن ضامن [متعهد به فعل ثالث] می باشند.

اگر مال تلف شده باشد:

• در این حالت غاصب باید بدل^۱ [مثل یا قیمت] آن را بدهد؛ اگر مال مثلی بود، مثل آن و اگر مال قیمی بود، قیمت آن پرداخت می شود؛

عدم امکان رد مال:

• [مال تلف نشده و موجود است، اما مفقود شده است]:^۲ در این حالت غاصب باید بدل حیلوله بدهد.

بدل حیلوله

• **بدل حیلوله:** برگرفته از حایل، حایل دیواری است مابین مالک و مال؛ بدل حیلوله در قانون اجرای احکام مدنی آمده است؛

• **بدل حیلوله:** مالی است شبیه مال مغضوب؛ غاصب باید بدل حیلوله را به مالک بدهد و تا زمانی که مال اصلی [غصب شده] را پیدا نکرده است، بدل در ملکیت مالک مال اصلی است و ملک او محسوب شده [چون از جنس غرامت است] و می تواند هر تصرفی که بخواهد در آن انجام دهد. [ماده ۳۰ ق.م.]:^۳ یعنی خسارت عدم انجام تعهد است و به مالک تملیک می شود؛

• هرگاه غاصب مال گم شده را پیدا کند و به مالک برگرداند، بدل حیلوله را پس می گیرد [شرط فاسخ دادن بدل] و اگر بدل حیلوله تلف شده باشد و یا در ید مالک نباشد، مالک مال خودش را پس می گیرد و مثل یا قیمت بدل حیلوله را به غاصب می دهد؛

• امتناع مالک در رد بدل حیلوله در فرض اخیر [فرضی که مال مالک به او رد شده است]: مالک در حکم غاصب است.

^۱ - بدل، نوعی خسارت عدم انجام تعهد است: ماده ۷۹۱ ق.م.ا. اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود، باید تلف کننده بدل آن [مثل یا قیمت] را بدهد و بدل مزبور [خود به خود] رهن خواهد بود.

^۲ - مالی که مفقود می شود، ممکن است تلف نشده باشد.

^۳ - ماده ۳۰ ق.م.ا. هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

یافت نشدن و از مالیت افتادن مال مغضوب

ماده ۳۱۲: هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود، غاصب باید قیمت حین الاداء [یوم الرد]^۱ را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آن را بدهد.

⊕ مثل آن پیدا نشود: یعنی قیمی می شود و باید مانند مال قیمی با آن رفتار کرد؛

⊕ آخرین قیمت: قیمت زمانی که مال مالیت داشته است.

فروض ماده ۳۱۲ ق.م.

- فرض اول: مال مغضوب مثلی بوده و دو حالت دارد: تلف شده و یا از مالیت افتاده و مثل آن هم پیدا نشود؛
- فرض دوم: مال قیمی بوده و تلف شده است.

مال مغضوب مثلی بوده و تلف شده است و مثل آن هم دیگر وجود ندارد:^۲

➔ در این حالت غاصب باید قیمت زمان اداء را بدهد؛ مسئولیت اصلی غاصب رد عین است که با صدور حکم دادگاه این مسئولیت تبدیل به معادل ریالی آن می شود.

مال مغضوب مثلی بوده و از مالیت [قیمت] افتاده باشد:^۳

➔ در این حالت غاصب باید آخرین قیمت [قیمت زمان تلف] را به عنوان ضمان ناشی از غصب و تفاوت آن با قیمت زمان غصب را به عنوان تسبیب پردازد، مشروط بر این که مقصر باشد و میان تقصیر او و ضرر و زیان ناشی از کسر قیمت رابطه سببیت موجود باشد.

^۱ - ماده ۶۴۸ ق.م: قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال [مثلی] خود را به طرف دیگر تملیک می کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس وصف رد نماید، و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد. [قرض تنها عقدی است که مال در آن باید مثلی باشد].

^۲ - مانند خودروی پیکان صفر، که دیگر تولید نمی شود.

^۳ - مانند اسکناس هایی که دیگر داد و ستد نمی شوند - به عبارت دیگر، دولت آن ها را بی اعتبار دانسته است: مثل چک پول ۵۰۰ هزار تومانی.

مال مغضوب قیمی بوده و تلف شده است:

➡ در این صورت غاصب باید قیمت زمان اداء را بدهد.

قاعده:

⊖ در غصب، اگر قیمتی که طبق قانون از غاصب اخذ می شود خسارت مالک را جبران نکند، وی می تواند ضرر مازاد بر آن را هم بگیرد اما نه از باب غصب، از باب تسبیب.

بنا و غرس در زمین دیگری

ماده ۳۱۳: هر گاه کسی در زمین خود با مصالح متعلقه به دیگری بنایی بسازد یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس [کاشتن] کند صاحب مصالح یا درخت می تواند قلع [کندن] یا نزع [جدا کردن] آن را بخواهد، مگر این که به اخذ قیمت تراضی نمایند.

بهای افزوده در نتیجه عمل غاصب

ماده ۳۱۴: اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود، غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت، مگر این که آن زیادتی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق به خود غاصب است.^۱

⊕ کار غاصب هدر است و نمی تواند حق الزحمه بگیرد؛

⊕ مثال در مورد زیادتی که عین متعلق به غاصب باشد: مانند خرید زاپاس توسط غاصب برای ماشین غصب شده.

^۱ - ماده ۳۳ ق.م.نماء و محصولی که از زمین حاصل می شود مال مالک زمین است، چه به خودی خود روییده باشد یا به واسطه عملیات مالک، مگر اینکه نماء یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شده باشد، که در این صورت، درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، اگر چه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد.

ضمان غاصب

ماده ۳۱۵: غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد، هر چند مستند به فعل او نباشد.^۱

⊕ ضمان غاصب مطلق است؛ یعنی فرقی نمی کند که نقص و عیب نتیجه عمل غاصب باشد و یا دیگری. در هر صورت غاصب ضامن است؛

⊕ اگر سارقی بعد از سرقت با ماشین مسروقه تصادفی کند که راننده مقابل مقصر است: مالک می تواند از باب غصب به غاصب [سارق] رجوع کند و هم چنین از باب تسبیب به راننده مقصر.

تعاقب ایادی^۲

غصب از غاصب:

ماده ۳۱۶: اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند، آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است، اگر چه به غاصبیت غاصب اولی جاهل باشد.

⊕ از لفظ «نیز» می فهمیم که: غاصب اولی هم همچنان ضامن باقی می ماند؛

⊕ مبنای مسئولیت مدنی ضمان غاصب: با نظریه تضمین انطباق دارد.

تضامن غاصبان در (د عین):

ماده ۳۱۷: مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند.

^۱ - مواد مرتبط:

* ماده ۶۳۱ ق.م: هر گاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد، مثل مستودع است: بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجر، قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آن ها ضامن نمی باشد، مگر در صورت تفریط یا تعدی؛ و در صورت استحقاق مالک به استرداد، از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود، اگر چه مستند به فعل او نباشد؛

* ماده ۴۹۳ ق.م: مستاجر نسبت به عین مستاجر ضامن نیست [امین است] به این معنی که، اگر عین مستاجر بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود، مسئول نخواهد بود. ولی، اگر مستاجر تفریط یا تعدی نماید، ضامن است اگر چه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد.

^۲ - به آن «ترتب ایادی» نیز می گویند.

در تعاقب ایادی دو حالت متصور است:

۱. مال در دست غاصب آخری موجود است؛

۲. مال در ید آخرین غاصب تلف شده است.

اگر مال موجود باشد:

➔ غاصبی که مال در دست اوست [غاصب آخری] متعهد به رد مال است. و مابقی غاصبان [ضامنان] متعهد به

فعل ثالث^۱ می باشند؛ طبق ماده ۳۱۷ ق.م. مالک می تواند بدون رعایت تقدم و تاخر به هر کدام از غاصبین که

بخواهد رجوع کند؛

✓ چون دین واحد است، ایفای دین از جانب یکی از آن ها، ذمه همه را در مقابل مالک بری می کند.

اگر مال تلف شده باشد:

➔ همه غاصبان [اعم از مُتَلَف و غیر مُتَلَف] متعهد به رد بدل مال هستند.

نکته:

➔ در غصب مسئولیت ایادی متعاقب نسبت به عین مال، تضامنی عرضی است.

رجوع غاصبان به یکدیگر:

ماده ۳۱۸: هر گاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است [غاصب آخری]، آن شخص حق رجوع

به غاصب دیگر ندارد [چون متلف مدیون اصلی است]؛ ولی اگر به غاصب دیگری به غیر آن کسی که مال در ید او تلف شده

است رجوع نماید، مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود

[غاصبین بعد از خود] رجوع کند، تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و به طور کلی ضمان [دین] بر عهده

کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است [علت تلف و تلف کننده مهم نیست].

⊕ اگر مالک بدل را از مدیون اصلی [غاصب آخری] بگیرد؛ در این حالت چون مدیون اصلی دین را پرداخته،

ضامنان [مابقی غاصبان] بری می شوند؛

^۱ - ثالث: در اینجا یعنی غاصب آخری، که مال در ید اوست.

⊕ در تعاقب ایادی هر غاصبی که به مالک خسارت می هد فقط می تواند از بعدی هایش بگیرد مگر: درجایی که روی مال مغضوب معامله فضولی رخ داده باشد: به این شرح که یکی از غاصبین مال را به شخصی که از غاصب بودن مال بی خبر بوده [جاهل باشد] بفروشد: در این حالت خریدار جاهل می تواند از قبلی اش از باب غرور خسارت بگیرد [رک. ماده ۳۲۵] و از بعدی ها هم از باب غصب. نکته این که خریدار اگر عالم باشد غاصب است و حق رجوع به ماقبل خود ندارد.

ماده ۳۱۸ در یک نگاه

رجوع مالک به غاصب مُتْلَف:

⊖ غاصب مُتْلَف حق رجوع به سایر غاصبین را ندارد، مگر در مورد جهل در معامله فضولی و یا مغرور شدن وی. که در این صورت به کسی که او را فریفته حق رجوع دارد.

رجوع مالک به غاصب غیر مُتْلَف:

⊖ غاصب دیگر به ایادی ماقبل خود حق رجوع دارد تا جایی که مال تلف شده است؛ در اینجا هم اگر غاصبی که دین را پرداخته مغرور بوده و یا با جهل به غصب معامله کرده است حق رجوع به مغرور کننده را نیز دارد.

گرفتن مال مغضوب از یکی از غاصبان:

ماده ۳۱۹: اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع به قدر ماخوذ به غاصبین دیگر ندارد.

⊕ مالک بیش از حق خود از مجموع مسئولان نمی گیرد و هر بخش از خسارت که وصول شود دیگران نیز از آن بری می شوند.

ضمان غاصبان در مورد منافع

ماده ۳۲۰: نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود و مابعد خود ضامن است، اگر چه استیفاء منفعت نکرده باشد؛ لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است می تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند.^۱

⊕ نسبت به منافع مال مغضوب، هر غاصب مسئول منافع زمان تصرف خود و لاحقین خود بوده و حق رجوع به هر یک از غاصبین لاحق را فقط نسبت به منافع زمان تصرف او دارد.

شرح ماده ۳۲۰ ق.م.

⊖ قسمت اول این ماده مسئولیت تضامنی غاصبان متعدد را در مقابل مالک مطرح است. اما در قسمت دوم بحث تصفیه حساب بین خود غاصبان و توزیع مسئولیت در مورد عوض منافع مطرح است؛

قسمت اول ماده ۳۲۰ ق.م:

- در مورد مسئولیت تضامنی غاصبان در مقابل مالک باید عنوان کرد که مطابق فرمول ماده، هر غاصب به اندازه زمان تصرف خود بعلاوه لاحقین خود مسئولیت دارد؛
- از این لحاظ غاصب اول سنگین ترین مسئولیت را دارد، زیرا سایر غاصبین لاحق بر او هستند. و غاصب آخر سبک ترین مسئولیت را دارد، چون هیچ لاحقی ندارد؛
- در مورد مسئولیت هر غاصب در مقابل مالک: مسئولیت او در مورد منافع مدت تصرف خودش مسئولیت استقلالی است که در حقیقت از جیب او باید محاسبه شود ولی مسئولیت او در مورد منافع زمان تصرف لاحقین وی، مسئولیتی تضامنی است که نهایتاً بین خود غاصبان محاسبه و توزیع می شود.

^۱ - مواد مرتبط:

- * ماده ۳۶۶ ق.م: هر گاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند [ضمان مقبوض به عقد فاسد - در حکم غصب است]، باید آن را به صاحبش رد کند و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع [مستوفات و غیر مستوفات] آن خواهد بود؛
- * ماده ۴۹۳ ق.م: مستاجر نسبت به عین مستاجر ضامن نیست [امین است] به این معنی که، اگر عین مستاجر بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود، مسئول نخواهد بود. ولی، اگر مستاجر تفریط یا تعدی نماید، ضامن است اگر چه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد.

قسمت دوم ماده ۳۲۰ ق.م:

- در مورد قسمت دوم ماده باید گفت که هر غاصبی که عوض منافع زمان تصرف لاحقین خود را هم به مالک پرداخته است، غاصبان لاحق بر او در مقام تصفیه حساب در مقابل وی [پرداخت کننده] مسئولیت تضامنی ندارند؛
- بنابراین وی ناچار است علیه هر یک از آن ها به طور مستقل طرح دعوا کرده و فقط عوض منافع مدت تصرف شخص او را بخواهد.

ضمان غاصبان در مورد منافع به طور کلی

- **منافع مال مغضوب:** هر غاصب ضامن منافع زمان تصرف خود و زمان تصرف لاحقین خود؛
- **پرداخت کامل توسط یک غاصب [زمان تصرف خود و لاحقین]:** فقط می تواند به غاصبین لاحق خود رجوع کند و به سایر غاصبین [مقابل خود] نمی تواند رجوع کند مگر در صورت اذن از جانب مالک.

طریقه رجوع

۱. مالک حق رجوع به هر یک از غاصبین را دارد و می تواند خسارت منافع زمان او و مابعد او را به صورت یکجا بگیرد: در مقابل مالک، عالم و جاهل بودن غاصب فرقی نمی کند؛
۲. اما غاصب پرداخت کننده خسارت منافع، فقط به لاحقین خود می تواند رجوع کند، آن هم به هر یک به اندازه تصرف او؛ مثلاً اگر هر غاصب یک ماه مال مغضوبه در ید او باشد، غاصب پرداخت کننده به اندازه همان یک ماه می تواند از او خسارت منافع بگیرد.

ابراء یا انتقال و یا اسقاط حق

ماده ۳۲۱: هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند، حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت؛ ولی، اگر حق خود را به یکی از آنان [ضامنان] به نحوی از انحاء انتقال دهد، آن کس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است.

حالات متصور از این ماده

مالک یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت ابراء می کند:

- ابراء اسقاط حق است و مستقیم به دین می خورد و چون دین واحد است و همه غاصبان ضامن یک بدل هستند، با ابراء مثل یا قیمت یا بدل، همه بری می شوند.

مالک حق رجوع به یکی از غاصبین را ساقط^۱ می کند:

- فقط آن غاصب [ضامن] بری می شود و حق رجوع مالک به دیگر غاصبان همچنان باقی است.^۲

مالک طلبش را به یک از غاصبین [ضامنین] [غیر از آفری] انتقال می دهد:

- آن غاصب [ضامن] قائم مقام مالک می شود و او همان حقی را خواهد داشت که مالک دارا بود است.^۳

مالک طلبش را به آفرین غاصب [مدیون اصلی] انتقال می دهد:

- مالکیت مافی الذمه رخ می دهد^۴ و همه بری می شوند؛ غاصب آخری هم حق رجوع به هیچ کس را ندارد.

^۱ - اسقاط حق مالی، ایقاع است.

^۲ - اگر مالک از حق رجوع به یکی از غاصبین بگذرد، این اسقاط مانع از رجوع به دیگران نیست. دکتر کاتوزیان - حاشیه ذیل ماده ۳۲۱ ق.م.

^۳ - یعنی می تواند به همه غاصبین، حتی غاصبین قبل از خود نیز رجوع کند.

^۴ - رک. مبحث آخر از فصل آخر جزوه مدنی ۳.

ابرای یکی از غاصبان در مورد منافع

ماده ۳۲۲: ابرای ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابرای ذمه دیگران از حصه آن ها نخواهد بود، لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین [خودش و بعدی هایش] ابراء کند حق رجوع به لاحقین نخواهد داشت.

حالات متصور از این ماده

مالک یکی از غاصبین را نسبت به منافع فودش ابراء کند:

❶ فقط همان غاصب بری می شود؛ زیرا دیگران مُتَعَلِّق و مخاطب ابرای مالک نبوده اند.

مالک یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند:

❷ در این حالت ابراء به غاصب مورد مخاطب و لاحقین او می خورد [خودش و بعدی هایش] و شامل غاصبین سابق بر آن ها نمی شود. اما مسئولیت تضامنی آن ها [غاصبان سابق] تقلیل پیدا می کند و مالک می تواند به آن ها رجوع کند و این حق همچنان باقی است. [البته با احتساب کسانی که ابراء شده اند].

منافع عین

➤ یعنی آن مقدار از منافی که مالک به حکم قانون می توانست از یک غاصب وصول کند؛ به طوری که می دانیم این مقدار عبارت است از: منافع مدت تصرف شخص غاصب بعلاوه همه لاحقین او.

شرح مواد ۳۲۳ الی ۳۲۷ ق.م.

- ❶ این مواد، مربوط به معاملات فضولی در غصب می باشد؛^۱
- ❷ خریدار مال مغضوب، در صورت عالم بودن، غاصب است و در صورت جاهل بودن، در حکم غاصب است. بنابراین در هر دو مورد، مالک، حق مراجعه به او را دارد؛
- اگر خریدار، عالم به مغضوب بودن مال باشد، فقط می تواند ثمن پرداختی به مالک را از بایع بگیرد ولی اگر خریدار، جاهل به غاصب بودن فروشنده باشد، می تواند ثمن و خسارات را از غاصب بگیرد.

^۱ - رک. جزوه «حقوق مدنی ۳» - فصل پنجم: معاملات فضولی.

ضمان خریدار مال مغضوب

ماده ۳۲۳: اگر کسی [اصیل] ملک مغضوب را از غاصب [فرض] بخرد [و آن را تصرف کند] آن کسی نیز [مغضوب و هم خریدار] ضامن است و مالک می تواند بر طبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع و مشتری رجوع کرده عین و در صورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و هم چنین منافع آن را در هر حال مطالبه نماید.

- ⊕ خریدار ۴ حالت دارد: جاهل باشد، عالم باشد، استیفای منفعت کرده باشد و یا استفاء منفعت نکرده باشد؛
- ⊕ جهل مشتری در مقابل مالک قابل استناد نیست؛ اما در گرفتن خسارات پرداخت شده از فضول موثر است. شرح در مواد ۳۲۴ و ۳۲۵ ق.م.؛

ضمان مشتری عالم به غصب

ماده ۳۲۴: در صورتی که مشتری [اصیل] عالم به غصب باشد [غاصب] حکم رجوع هر یک از بایع و مشتری به یکدیگر در آن چه که مالک از آن ها گرفته است حکم غاصب از غاصب بوده تابع مقررات فوق خواهد بود.

- ⊕ مقررات فوق: یعنی تابع مقررات مواد ۳۱۷ الی ۳۲۰ ق.م. می باشد؛
- ⊕ خریدار ضامن است و مالک حق رجوع به او و به غاصب را دارد و می تواند به هر کدام که بخواهد رجوع کند؛
- ⊕ حق رجوع مالک: حسب مورد جهت اخذ مال، مثل یا قیمت آن بعلاوه منافع آن.

خریدار جاهل به غصب

ماده ۳۲۵: اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او [مشتری جامل] نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع [فرض] رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد؛ و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، بایع حق رجوع به مشتری [جامل] را نخواهد داشت.

- ⊕ ید مشتری جاهل «در حکم غصب است» و مشمول ماده ۳۰۸ ق.م. می شود؛
- ⊕ مالک مال و خسارات را از مشتری جاهل اخذ کند: حق رجوع مشتری نسبت به ثمن و خسارات به بایع فضول محفوظ است؛ هر چند که مال نزد مشتری تلف شده باشد؛
- ⊕ مالک مال و خسارات را از بایع فضول اخذ کند: بایع حق رجوع به مشتری جاهل را ندارد.

جمع بندی

✍ در جمع مواد ۳۲۴ و ۳۲۶ و مفهوم مخالف ماده ۳۲۶ ق.م: اگر مشتری عالم باشد غاصب است و اگر به مالک خسارات بدهد، حق رجوع به بایع بابت خسارات داده شده را ندارد. و فقط می تواند بابت ثمن به بایع رجوع کند و یا این که اگر مال در يد بایع تلف شده باشد. بابت مثل یا قیمتی که به مالک داده است به بایع رجوع کند.

رجوع خریدار به غاصب:

ماده ۳۲۶: اگر عوضی که مشتری عالم بر غضب [قاعدۀ اقدام] در صورت تلف مبیع به مالک داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد، به مقدار زیاده نمی تواند رجوع به بایع کند، ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد.

ترتیب ایادی به غیر غضب:

ماده ۳۲۷: اگر ترتیب [قرار گرفتن] ایادی بر مال مغضوب به معامله دیگری غیر از بیع باشد، احکام راجعه به بیع مال غضب که فوقاً ذکر شده مجراً خواهد بود.

اتلاف

تلف مال دیگری:

ماده ۳۲۸: هر کسی مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت [روز اداء] آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد [در اتلاف تقصیر لازم نیست] و اعم از این که عین باشد یا منفعت [و یا حق]، و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

تفاوت اتلاف و تسبیب

- اتلاف ضرر مستقیم و بی واسطه است، اما تسبیب ضرر غیر مستقیم و با واسطه است؛
- اتلاف فقط با «فعل» صورت می گیرد، اما تسبیب هم با «فعل» و هم با «ترک فعل»؛
- در اتلاف، تقصیر مُتَلِف شرط نمی باشد، اما در تسبیب، تقصیر باید اثبات شود و شرط مسئولیت اثبات تقصیر است؛
- نظریه خطر با نظریه اتلاف و نظریه تقصیر با نظریه تسبیب هماهنگ است.

تخریب خانه و بنای دیگری:

ماده ۳۲۹: اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند، باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت بر آید.

- ⊕ تا جایی که دادن مثل ممکن است [در موارد مثلی - و نه در مورد اموال قیمی]، بحث از دادن قیمت مطرح نمی شود؛
- ⊕ منظور از عهده قیمت: قیمت بنایی که خراب شده است: یعنی همان بنا قیمت گذاری می شود و نه قیمت تجدید بنا؛
- ⊕ هنگامی که بنا برای مثال دارای ارزش میراث فرهنگی می باشد، قدمت آن ارزش دارد.

کشتن حیوان دیگری:

ماده ۳۳۰: اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بگشاید باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد باید تمام قیمت حیوان را بدهد و لیکن اگر برای دفاع از نفس بگشاید یا ناقص کند ضامن نیست.

نکات این ماده:

- ⊕ اگر با اذن بگشاید مسئول نیست: مانند دعوت قصاب برای ذبح حیوان؛
- ⊕ تفاوت قیمت زنده و کشته: ناظر بر حیوان حلال گوشت است، به شرطی که ذبح شود؛
- ⊕ کشته آن قیمت نداشته باشد: ناظر بر حیوان حرام گوشت است و یا زمانی که حیوان حلال گوشت بوده به صورت غیر شرعی کشته شود [ذبح نشود]؛
- ⊕ تمام قیمت [آخرین قیمت] را بدهد: چون از مالیت افتاده است: تا زمانی که مال از مالیت نیفتاده است
مناسب باید تفاوت قیمت را بدهد نه این که مال را به طور کامل به او تحمیل کنیم.

دفاع عملی مباح است که:

۱. در برابر تجاوزی نامشروع باشد؛
۲. در دید عرف و قانون تعدی محسوب نشود؛
۳. دفاع باید متناسب با ضرری باشد که شخص را تهدید می کند.

^۱ - دکتر کاتوزیان - حاشیه ذیل ماده ۳۳۰ ق.م.

تفاوت ضمان غاصب و مسئولیت مدنی

- در مسئولیت مدنی در مواردی که به طور استثنایی، مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده باشد رابطه علیت مستقیم میان عمل زیانبار و ضرر وارده باید احراز گردد؛ ولی در غصب مهم نیست که میان فعل غاصب و تلف مال، رابطه علیت مستقیم وجود دارد یا نه؛
- در غصب، تنها زیان مادی جبران می گردد در حالی که مسئولیت مدنی، جبران زیان های جسمانی و معنوی را نیز شامل می شود؛
- ضمان غاصب از استیلاهی به نحو عدوان بر حق غیر سرچشمه می گیرد ولی در مسئولیت مدنی لزومی ندارد که مقدمه ورود زیان حتماً استیلا به نحو عدوان بر حق غیر باشد.

تسبیب

➤ مبنای عمده در مسئولیت مدنی تقصیر است؛ اما اصل عدم تقصیر است که باید اثبات شود.

ضمان مسبب تلف:

ماده ۳۳۱: هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت [روز اداء] آن را بدهد؛ و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت بر آید.

اجتماع سبب و مباشر تلف:

ماده ۳۳۲: هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب، مگر این که سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اطلاق [خسارت] مستند به او باشد. [سبب نزدیک و بی واسطه: ماده ۵۳۰ ق.م.ا.]

➤ در این مورد به مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی مراجعه شود [در همین جزوه].

ضمان صاحب دیوار و عمارت و کارخانه:

ماده ۳۳۳: صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه [صاحب مر مالی] مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می شود، مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده [و آن را تعمیر نکرده باشد] و یا از عدم مواظبت [متعارف] او تولید شده است.

⊕ مشروط بر ... : مفهوم کلی شرط: یعنی اگر تقصیر کرده باشد، مبتنی بر نظریه تقصیر؛

⊕ در حقوق ایران مسئولیت پیش بینی شده در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در برابر اشخاص ثالث مبتنی بر نظریه خطر و مسئولیت پیش بینی شده در قانون مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه تقصیر است

👉 در این مورد به مواد مربوطه [ماده ۵۱۹] در قانون مجازات اسلامی مراجعه شود [در همین جزوه].

ضمان مالک و متصرف حیوان:

ماده ۳۳۴: مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود، مگر این که در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد [از باب تقصیر]؛ لیکن در هر حال، اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد، فاعل [اعم از هر کسی] آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود.

تصادم دو وسیله نقلیه:

ماده ۳۳۵: در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آن ها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه [تقصیر] او حاصل شده باشد؛ و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند؛ هر دو مسئول خواهند بود.

⊕ تصادم: بر وزن تفاعل؛ به طور متقابل به هم صدمه زدن؛

⊕ تصادف: امری خارج از اراده، باعث آن انسان ها نیستند؛

⊕ مسامحه زیر مجموعه تقصیر است.

استیفاء

❶ استیفا واقعۀ مقوقی و از موارد ضمان قهری است.

❷ اکثر روابط حقوقی مردم بر اساس قراردادها حل و فصل می شود، لکن برخی از مناسبات بین مردم پیش می آید که در آن موارد شخصی از کار مشروع دیگری یا کار متعلق به غیر بهره برداری کرده و منتفع شده است. اما بین آنان هیچ قراردادی و یا قرارداد درستی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن قرارداد اجرت آن منافع را خواستار شد و صرفاً یک اذن اولیه وجود دارد.

- استیفا بر دو نوع است: استیفا از کار دیگری [ماده ۳۳۶ ق.م.ا] و استیفا از مال دیگری [ماده ۳۳۷ ق.م.ا].

شرایط استیفا از عمل غیر

❶ با شرایط زیر عامل مستحق اجرت المثل عمل فوہ است:

۱. شخص، از عامل، اقدام به عمل را، درخواست کرده باشد؛^۱ یعنی، عمل، نباید خودسرانه باشد؛
۲. عرفاً برای آن عمل اجرتی باشد، یعنی کار خُرد و کوچک نباشد؛
۳. اگر کار خیلی کم اهمیت باشد، شخص عادتاً متصدی انجام آن عمل باشد؛
۴. عامل قصد تبرع نداشته باشد. که البته قصد تبرع مفروض نیست.

شرایط استفاده از مال غیر

❶ یعنی با شرایط زیر، استفاده کننده ملزم به پرداخت اجرت المثل می باشد:

۱. صاحب مال به استفاده از مال صریحاً یا ضمناً اذن بدهد: این عامل سبب می شود که استفاده کننده غاصب تلقی نشود؛
۲. فرد استفاده کننده، در واقعیت امر، استفاده مورد نظر را از مال برده باشد؛
۳. صاحب مال قصد تبرع نداشته باشد، که البته قصد تبرع مفروض نیست.

^۱ - و اجرت تعیین نکرده باشد؛ یعنی اجرت المسمی نیست، چرا که استیفاء عقد نیست.

استیفا از کار دیگری

ماده ۳۳۶: هرگاه کسی بر حسب امر [درخواست] دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت [اجرت المثل] عمل خود خواهد بود، مگر این که معلوم شود قصد تبرع داشته است.

تبصره: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می نماید (الحاقی ۱۳۸۱/۵/۹).

نکات تکمیلی این ماده:

- ⊕ این ماده مفهوم مخالف دارد. و حجت است. [دلالت التزامی است]؛
- ⊕ خود را مهیای آن عمل کرده: یعنی به خود وعده اجرت داده باشد. به عبارت دیگر عرفاً اجرت ندارد، اما طرف قصدش عدم تبرع است و اجرت می خواهد؛
- ⊕ استیفا بر مبنای توافق و تراضی است، اما عقد نیست؛^۱ هر توافقی عقد نیست، اما هر عقدی توافق است. رابطه عقد و توافق: عموم و خصوص مطلق؛
- ⊕ هرگاه طلاق به درخواست زوجه باشد و یا این که طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی باشد، زن استحقاق دریافت اجرت ندارد.

استیفا از مال دیگری

ماده ۳۳۷: هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفای منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر این که معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.^۲

- ★ مفاد این ماده ویژه استیفا از عین اموال نیست و شامل استفاده از انجام دادن کار دیگری نیز می شود.
- ★ استفاده از مال دیگری به طور معمول در دید عرف اجرت دارد. با وجود این، هرگاه به موردی که برخورد شود که ظهور در انتفاع مجانی داشته باشد [مانند دادن سه چرخه سواری به کودک]، الزامی به دادن اجرت المثل ندارد.^۳

^۱ - استیفاء طبق بند ۴ ماده ۳۰۷ ق.م.، از موجبات ضمان قهری است.

^۲ - ماده ۴۹۴ ق.م: عقد اجاره به محض انقضای مدت بر طرف [منسوخ] می شود؛ و اگر پس از انقضای آن مستاجر عین مستاجر را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد، موجر برای مدت مزبور مستحق اجرت المثل خواهد بود، اگر چه مستاجر استیفای منفعت نکرده باشد [در حکم غاصب]؛ و اگر با اجازه مالک در تصرف نگاه دارد، وقتی باید اجرت المثل بدهد که استیفای منفعت کرده باشد، مگر این که مالک اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید.

^۳ - یادآوری: حاشیه های دکتر کاتوزیان فراموش نشود.

استفاده بلاجهت

دارا شدن بلاسبب یا بلاجهت یک «عنوان حقوقی مستقل» است که قانون مدنی ایران تحت این عنوان مطلبی را بیان نکرده و ماهیت دارا شدن بلاسبب را مسکوت گذارده است.

در واقع دارا شدن بلاسبب از جمله الزامات خارج از قرارداد است که تحت عنوان استیفای نامشروع نیز می تواند مطرح شود؛

این اصطلاح «استفاده بلاجهت» فقط در ماده ۳۱۹ قانون تجارت به کار رفته است.^۱

استفاده بلاجهت^۲ یعنی دارا شدن غیر عادلانه^۳ و فقدان سبب تملک؛

شرح: دو نفر بدون این که بین آن ها رابطه حقوقی وجود داشته باشد: از دارایی یکی کم می شود و به دارایی دیگری اضافه؛ در این مورد عدالت اقتضا می کند که آن کسی که دارایی اش زیاد شده، خسارات طرف مقابل را بپردازد.

مثال: دانه درختی که مالک دارد، توسط باد به زمین مجاور انتقال داده می شود^۴ و در آنجا رشد می کند و ارزش بالایی به دست می آورد. در اینجا چون مالک حبه [دانه]، با استفاده از زمین دیگری، به دارایی او افزوده شده، و بلاسبب دارا شده است، باید خسارت صاحب زمین را بپردازد.^۵

^۱ - ماده ۳۱۹ ق.ت: اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارنده برات یا فته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره: حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

^۲ - «استفاده بلاجهت»، از فرانسه ترجمه شده است.

^۳ - «دارا شدن غیر عادلانه»، از انگلیس ترجمه شده است.

^۴ - بدون اینکه بین آنها، قراردادی در این زمینه، وجود داشته باشد.

^۵ - ماده ۳۳ ق.م.نماء و محصولی که از زمین حاصل می شود مال مالک زمین است، چه به خودی خود روئیده باشد یا به واسطه عملیات مالک، مگر این که نماء یا حاصل، از اصله [نهال] یا حبه [دانه] غیر حاصل شده باشد، که در این صورت، درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، اگر چه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد.

«مواد قانون مجازات، مرتبط با حقوق مدنی ۴»

ماده ۱۵۶: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.

تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می شود.

ماده ۱۵۷: مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است.

ماده ۱۵۸: علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد؛ ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد؛

پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد؛

ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد؛

ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد؛

ج- هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می شود. در موارد فوری أخذ رضایت ضروری نیست.

ماده ۴۹۲: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.

ماده ۴۹۳: وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرایم جاری است.

ماده ۴۹۴: مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.

ماده ۴۹۵: هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه أخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت أخذ نکرده باشد.

تبصره ۲- ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه به اعطای برائت به طیب اقدام می نماید.

ماده ۴۹۶: پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

تبصره ۱ - در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

تبصره ۲ - در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق ماده (۴۹۵) این قانون عمل می شود.

ماده ۴۹۷: در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

ماده ۴۹۸: هرگاه شیئی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل می گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه است.

ماده ۴۹۹: هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسؤول است.

ماده ۵۰۰: در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است.

ماده ۵۰۱: هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می شود.

ماده ۵۰۲: هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیافتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست.

ماده ۵۰۳: هرگاه کسی دیگری را به روی شخص ثالثی پرت کند و شخص ثالث یا شخص پرت شده بمیرد یا مصدوم گردد در صورتی که مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد، جنایت شبه عمدی است.

ماده ۵۰۴: هرگاه راننده ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.

تبصره ۱- در موارد فوق هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد به گونه ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست.

تبصره ۲- حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است.

ماده ۵۰۵: هر گاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است. چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقوقی یا حقیقی دیگری باشد آن شخص ضامن است.

ماده ۵۰۶: تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

ماده ۵۰۷: هر گاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.

ماده ۵۰۸: هر گاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد.

تبصره ۱- هر گاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.

تبصره ۲- هر گاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه است مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند اینکه مرتکب علامتی هشدار دهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود.

ماده ۵۰۹: هر گاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست.

ماده ۵۱۰: هر گاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست.

ماده ۵۱۱: کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آنجا مجاز است توقف کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شیء مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخصی با آنها برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است.

ماده ۵۱۲: هر گاه شخصی در محلهایی که توقف در آنها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محلهای مستقر سازد یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می باشد مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز می شود.

ماده ۵۱۳: هر گاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را بر باید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است.

تبصره - هر گاه پس از دریافت دیه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مسترد می گردد و چنانچه اثبات شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می شود.

ماده ۵۱۴: هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابران در جای مناسب تری قرار دهد ضامن نیست.

تبصره ۱- هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییردهنده وضعیت به حالت مناسب تر نیز ضامن نیست.

تبصره ۲- افراد یا دستگاههایی که مسؤولیت اصلاح یا رفع آثار این گونه حوادث را برعهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می باشند.

ماده ۵۱۵: هرگاه قرار دادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذارنده کالا یا متوقف کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زینهای وارده نیست.

ماده ۵۱۶: هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضامن منتفی است مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد.

ماده ۵۱۷: اگر مالک یا کسی که عهده دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست.

تبصره- اگر عمل غیرمجاز به گونه ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسان ذی ربط ساختمان باشد ضامن از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است.

ماده ۵۱۸: هر گاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید لکن به علت حوادث پیش بینی نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست و چنانچه دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط می کند لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد، ضامن نیست.

ماده ۵۱۹: هر گاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضامن منتفی است مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل انگاری نماید، ضامن است.

تبصره - هر گاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسؤول آن ضامن است.

ماده ۵۲۰: هر گاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون اذن او متمایل به سقوط نماید، عهده دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است.

ماده ۵۲۱: هر گاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضامن ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.

ماده ۵۲۲: متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

تبصره ۱- نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می شود.

تبصره ۲- نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره (۱) این ماده است.

ماده ۵۲۳: هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره - در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی باشد، ضمان منتفی است.

ماده ۵۲۴: هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محلهای غیر مجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارت هایی که آن حیوان وارد می کند و مستند به فعل شخص مزبور می باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.

ماده ۵۲۵: هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایت هایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می کند مگر آنکه عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.

ماده ۵۲۶: هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشد مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

ماده ۵۲۷: هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او بپردازند.

ماده ۵۲۸: هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

ماده ۵۲۹: در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.

ماده ۵۳۰: هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است.

ماده ۵۳۱: در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است.

ماده ۵۳۲: در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم می شود.

ماده ۵۳۳: هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می باشند.

ماده ۵۳۴: هرگاه بر اثر ایجاد مانع یا سببی دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و به علت برخورد آسیب ببینند و یا کشته شوند، مسبب ضامن است.

ماده ۵۳۵: هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود. [فصلی کیفری همچون شرط بی واسطه].

ماده ۵۳۶: هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

ماده ۵۳۷: در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

«قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹»

ماده ۱: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتمی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خودمی باشد.

ماده ۲: در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می نماید و چنان چه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.

ماده ۳: دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد جبران زیان را به صورت مستمری نمی شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید.

☞ قاضی نمی تواند جبران زیان را به طور مستمری تعیین کند، مگر این که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت بدهد یا قانون آن را تجویز نماید.

ماده ۴: دادگاه می تواند میزان خسارت را در مورد زیر تخفیف دهد:

۱. هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد؛
۲. هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود؛
۳. وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.

☞ دقت شود که: به صیرف این که زیان دیده از تمکن مالی برای تحمل زیان برخوردار باشد موجب تخفیف نیست؛

☞ در صورتی که خسارت وارده به نحو آشکار کمتر از میزان وجه التزام باشد، دادگاه نمی تواند میان خسارت را تخفیف دهد.

ماده ۵: اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است.

دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص این که به چه اندازه و تا چه میزان و تا چه مبلغ می توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است.

اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت.

ماده ۶: در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد.

در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری می نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب با مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است.

در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.

ماده ۷: کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد.

❖ مسئولیت نگهداری صغیر در صورتی است که، تقصیر او در نگهداری و مواظبت صغیر، توسط زیان دیده اثبات شود.

ماده ۸: کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است.

شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید.

ماده ۹: دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن برای همخوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

ماده ۱۰: کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی معنوی خود را بخواهد هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

ماده ۱۱: کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

✍️ خسارت ناشی از اشتباه دادرس بر عهده دولت است و خسارت ناشی از تقصیر وی بر عهده خود اوست؛

✍️ خسارت ناشی از بی احتیاطی کارمند دولت به عهده خود دولت است و خسارت ناشی از حاکمیت دولت

به عهده دولت نیست.

ماده ۱۲: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده و یا این که اگر احتیاط های مزبور را به عمل می آورند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.

✂ مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به اعمال کارکنان و کارگران خود: منوط به آن است که حادثه در حین کار و انجام وظیفه کارگر و یا به مناسبت آن رخ داده باشد؛

✂ مقنن در این ماده تقصیر کارفرما را **مفروضی** انگاشته است [اماره بر تقصیر وی] و زیان دیده از اثبات تقصیر او معاف است؛

✂ زیان دیده می تواند برای جبران خسارت خود به کارگر [طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی] و کارفرما مراجعه کند و در صورتی که کارفرما جبران خسارت کند می تواند برای مطالبه آنچه که پرداخته است به کارگر رجوع کند؛

✂ کارفرما مسئول خسارات وارده از سوی کارگر به اشخاص ثالث می باشد، مگر این که قوه قاهره را ثابت نماید؛

✂ هرگاه چند کارگر که مشمول قانون کار هستند مشترکاً زبانی را به ثالث وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت هستند.

شرایط تحقق مسئولیت کارفرما در قبال زیان دیده:

۱. مشمول قانون کار بودن کارفرما؛
۲. خواهان باید ورود زیان به خویشتن رابه ثبوت برساند؛
۳. خواهان ملزم به اثبات وجود رابطه سببیت میان ضرر وارده به خود و فعل یا ترک فعل کارگران و کارکنان کارفرما می باشد.

ماده ۱۳: کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارت وارده از ناحیه آن به اشخاص ثالث بیمه نمایند.

ماده ۱۴: در مورد ماده ۱۲ هر گاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین می شود.

ماده ۱۵: کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارات بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر این که خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

ماده ۱۶: وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

برخی از نکات مهم قانون مسئولیت مدنی؛

- تعریف مسئولیت مدنی: ملزم بودن شخص به جبران خساراتی که از خطای او به دیگر وارد می شود؛
- ورود ضرر و زیان به غیر، یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی است؛
- مسئولیت مدنی، زمانی تحقق می یابد که شخصی با انجام یا عدم انجام فعلی به دیگری زیان برساند، بنابراین قلمرو مسئولیت مدنی شامل پندار شخص نمی شود و پندار اشخاص در قلمروه مسئولیت اخلاقی قرار دارد؛
- مسئولیت اخلاقی عام تر از مسئولیت مدنی است: هم شامل پندار و هم شامل کردار اشخاص می شود؛
- در مسئولیت مدنی میان درجه تقصیر و میزان مسئولیت، اصولاً تناسب وجود ندارد، بلکه در مواردی که مسئولیت مبتنی بر تقصیر است (مانند تسبیب) صرف وجود تقصیر و رابطه سببیت میان آن و ورود خسارت کافی است و درجه تقصیر، تاثیری در میزان مسئولیت ندارد: مثلاً خطایی ناچیز، زیانی هنگفت به بار آورد؛
- در مسئولیت کیفری اصولاً اعمال مجازات، متناسب با تقصیر ارتكابی است و مجازات متوجه شخص مجرم است. اما در مسئولیت مدنی با مواردی مواجه هستیم که مسئولیت برخی از اشخاص ناشی از فعل غیر است؛

- اشخاصی که حسب مورد مسئول جبران خسارات هستند: قائم مقام عام، بیمه گر مسئولیت، صندوق تامین خسارت های بدنی؛
- دقت شود که قائم مقام خاص عامل ورود زیان، به هیچ وجه ملزم به جبران خسارت وارده از سوی شخص مزبور به دیگران نمی باشد؛
- هرگاه مردی بر اثر حادثه ای زیانبار بمیرد، زوجه منقطعه او نمی تواند دعوای مسئولیت مدنی به عنوان وارث اقامه کند، اما می تواند دعوای شخصی علیه عامل حادثه مرگ بار اقامه کند؛
- طبق این قانون: مسئولیت مدنی بر مبنای «تقصیر» است. تقصیر یعنی تخلف از رفتار انسان متعارف در شرایط حادثه زیان بار؛
- علل موجهه در مسئولیت مدنی: اجبار یا اکراه، حکم قانون، دفاع مشروع و رضایت زیان دیده در ورود زیان به اموال جز در موارد استثنایی؛
- رضایت زیان دیده در وارد آوردن لطمه و صدمه بر تمامی جسمی او از علل موجهه نیست و وصف تقصیر را نمی زداید.
- مبنای خسارت معنوی: قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی است؛
- شرایط ضرر قابل جبران: حتمی و مسلم بودن باشد، شخصی باشد، مشروع باشد و قبلاً جبران نشده باشد؛
- عدم النفع به هیچ وجه قابل مطالبه نیست؛
- رای دادگاه در حکم به جبران ضرر و زیان: اعلامی [از جهت اعلام سوء تعهد عامل ورود زیان] و تاسیسی [از جهت مشخص کردن نحوه جبران زیان].

قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

بخش نخست - کلیات

ماده ۱ - اصطلاحات به کار برده شده در این قانون، دارای معانی به شرح زیر است:

الف - خسارت بدنی: هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و از کار افتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه با رعایت ماده (۳۵) این قانون به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون

ب - خسارت مالی: زیان‌هایی که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.

پ - حوادث: هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موضوع بند (ث) این ماده و محمولات آن‌ها از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش‌سوزی و یا انفجار یا هر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیرمترقبه

ت - شخص ثالث: هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار خسارت بدنی و یا مالی شود به استثنای راننده مسبب حادثه

ث - وسیله نقلیه: وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین‌شهری و واگن متصل یا غیر متصل به آن و یدک و کفی (تریلر) متصل به آن‌ها

ج - صندوق: صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

چ - بیمه مرکزی: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ح - راهنمایی و رانندگی: پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲ - کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلف‌اند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه‌ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

تبصره ۱ - دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هرکدام که بیمه‌نامه موضوع این ماده را تحصیل کند تکلیف از دیگری ساقط می‌شود.

تبصره ۲ - مسؤلیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه‌نامه موضوع این قانون مانع از مسؤلیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارد شده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد.

ماده ۳ - دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام، بیمه حوادث اخذ کند؛ مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه و یا ارزش جرح در فرض ورود خسارت بدنی به مرد مسلمان در ماه غیر حرام و هزینه معالجه آن می باشد. سازمان پزشکی قانونی مکلف است با درخواست راننده مسبب حادثه یا شرکت بیمه مربوط، نوع و درصد صدمه بدنی وارد شده را تعیین و اعلام کند. آیین نامه اجرائی و حق بیمه مربوط به این بیمه نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تصویب شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۴ - در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث:

الف - در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت های وارد شده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه بیمه گر و مسبب حادثه طرح می کند. این حکم، نافی مسؤولیت های کیفری راننده مسبب حادثه نیست.

ب - در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون جبران می شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می کند.

پ - در صورتی که خودرو، فاقد بیمه نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد، در صورتی که مالک، شخص حقوقی باشد، به جزای نقدی معادل بیست درصد (۲۰٪) و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارات بدنی وارد شده محکوم می شود. مبلغ مذکور به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل کشور واریز می شود و با پیش بینی در بودجه های سالانه، صد درصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می یابد.

ماده ۵ - شرکت سهامی بیمه ایران مکلف است طبق مقررات این قانون و آیین نامه های مربوط به آن، با دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کند. سایر شرکت های بیمه متقاضی فعالیت در رشته بیمه شخص ثالث می توانند پس از اخذ مجوز از بیمه مرکزی اقدام به فروش بیمه نامه شخص ثالث کنند. بیمه مرکزی موظف است بر اساس آیین نامه اجرائی که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد، برای شرکت های متقاضی، مجوز فعالیت در رشته شخص ثالث صادر کند. در آیین نامه اجرائی موضوع این ماده مواردی از قبیل حداقل توانگری مالی شرکت بیمه، سابقه مناسب پرداخت خسارت، داشتن نیروی انسانی و ظرفیت های لازم برای صدور بیمه نامه و پرداخت خسارت باید مدنظر قرار گیرد. شرکت هایی که مجوز فعالیت در این رشته بیمه ای را از بیمه مرکزی دریافت می کنند، موظف اند طبق مقررات این قانون و آیین نامه های مربوط به آن، با کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کنند. ادامه فعالیت در رشته شخص ثالث برای شرکت هایی که در زمان تصویب این قانون در رشته بیمه شخص ثالث فعال هستند، منوط به اخذ مجوز از بیمه مرکزی ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون می باشد.

ماده ۶ - از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به انتقال گیرنده منتقل می شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه گذار محسوب می شود. تبصره - کلیه تخفیفاتی که به واسطه «نداشتن حوادث منجر به خسارت» در قرارداد بیمه موضوع این قانون اعمال شده باشد، متعلق به انتقال دهنده است. انتقال دهنده می تواند تخفیفات مذکور را به وسیله نقلیه دیگر از همان نوع، که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلا واسطه وی باشد، منتقل کند. آیین نامه اجرائی این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۷ - دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می شوند در صورتی که خارج از کشور وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث ناشی از آن به موجب بیمه نامه ای که از طرف بیمه مرکزی معتبر شناخته می شود بیمه نکرده باشند، مکلف اند هنگام ورود به مرز ایران وسیله نقلیه خود را در قبال خسارت های بدنی و مالی که در اثر حوادث نقلیه مزبور یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون بیمه کنند.

همچنین دارندگان وسیله نقلیه ایرانی که از کشور خارج می شوند موظف اند هنگام خروج با پرداخت حق بیمه مربوط، وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث نقلیه مذکور در خارج از کشور به اشخاص ثالث ایرانی وارد شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون و نیز بیمه حوادث راننده موضوع ماده (۳) این قانون بیمه کنند. در غیر این صورت از تردد وسایل مزبور توسط مراجع ذی ربط جلوگیری می شود.

بخش دوم - حقوق و تعهدات بیمه گر و بیمه گذار

ماده ۸ - حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه های حرام با رعایت تبصره ماده (۹) این قانون است و در هر حال بیمه گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی باشد. همچنین حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت مالی معادل دو و نیم درصد (۵/۲٪) تعهدات بدنی است. بیمه گذار می تواند برای جبران خسارت های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند.

تبصره ۱ - در صورتی که بیمه گذار در خصوص خسارت های مالی تقاضای پوشش بیمه ای بیش از سقف مندرج در این ماده را داشته باشد بیمه گر مکلف به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با بیمه گذار می باشد. حق بیمه در این مورد در چهارچوب ضوابط کلی که توسط بیمه مرکزی اعلام می شود، توسط بیمه گر تعیین می گردد.

تبصره ۲ - در صورت بروز حادثه، بیمه گر مکلف است کلیه خسارات وارد شده را مطابق این قانون پرداخت کند و مواد (۱۲) و (۱۳) قانون بیمه مصوب ۷/۲/۱۳۱۶ در این مورد اعمال نمی شود.

تبصره ۳ - خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران ترین خودروی متعارف از طریق بیمه نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.

تبصره ۴ - منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می شود، باشد.

تبصره ۵ - ارزیابان خسارات موضوع ماده (۳۹) و کارشناسان ارزیاب خسارت شرکت های بیمه و کارشناسان رسمی دادگستری در هنگام برآورد خسارت، موظفاند مطابق این ماده اعلام نظر کنند.

ماده ۹ - بیمه گر ملزم به جبران خسارت های وارد شده به اشخاص ثالث مطابق مقررات این قانون است.

تبصره - در صورتی که در یک حادثه، مسئول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه گر مکلف به پرداخت کل خسارت بدنی است، اعم از اینکه مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد.

ماده ۱۰ - بیمه گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفاند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند.

ماده ۱۱ - درج هرگونه شرط در بیمه نامه که برای بیمه گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه نامه نمی شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت نامه از زیان دیده توسط بیمه گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت نامه ای بلااثر است.

ماده ۱۲ - تعهد ریالی بیمه گر در قبال زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه، برابر حاصل ضرب ظرفیت مجاز وسیله نقلیه در سقف تعهدات بدنی بیمه نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون است.

در مواردی که به علت عدم رعایت ظرفیت مجاز وسیله نقلیه، مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان وسیله نقلیه مقصر حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می گردد و مابه التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت و مطابق مقررات این قانون از مسبب حادثه باز یافت می شود.

میزان ظرفیت مجاز وسایل نقلیه با توجه به نوع و کاربری آنها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت و راه و شهرسازی و بیمه مرکزی تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد. در هر صورت تعداد جنین و اطفال زیر دو سال داخل وسیله نقلیه به ظرفیت مجاز خودرو اضافه می شود.

تبصره - تعهد ریالی بیمه گر در قبال زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون می باشد. در مواردی که مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می گردد و مابه التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت می شود.

ماده ۱۳ - بیمه گر یا صندوق حسب مورد مکلف اند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند. بیمه گر، در صورتی که خسارت بدنی که به زیان دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع یا در صورت موافقت صندوق در حساب های فی مابین منظور کند مشروط بر اینکه افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه منتسب به تأخیر بیمه گر نباشد.

تبصره - در صورتی که خسارت بدنی زیان دیده بیشتر از تعهد شرکت بیمه مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، شرکت بیمه مکلف است، بلافاصله مراتب مذکور و کلیه مستندات پرونده مربوط را از طریق سامانه الکترونیک موضوع ماده (۵۵) به صندوق و بیمه مرکزی اطلاع دهد.

ماده ۱۴ - در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه ساز باشد، بیمه گر مکلف است خسارت زیان دیده را بدون هیچ شرط و اخذ تضمین پرداخت کند و پس از آن می تواند به شرح زیر برای باز یافت به مسبب حادثه مراجعه کند:

الف - در اولین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه نامه: معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

ب - در دومین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه نامه: معادل پنج درصد (۵٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

پ - در سومین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز و حوادث بعد از آن در طول مدت بیمه نامه: معادل ده درصد (۱۰٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

تبصره - مصادیق و عناوین تخلفات رانندگی حادثه ساز به موجب ماده (۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/ ۱۲/ ۸ تعیین می شود.

ماده ۱۵ - در موارد زیر بیمه گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف - اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی

ب - رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ - در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت - در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

تبصره ۱ - در صورت وجود اختلاف میان بیمه گر و مسبب حادثه، اثبات موارد فوق در مراجع قضائی صالح صورت خواهد گرفت.

تبصره ۲ - در مواردی که طبق این قانون بیمه گر حق رجوع به مسبب حادثه یا قائم مقام قانونی وی را دارد، اسناد پرداخت خسارت از سوی بیمه گر در حکم اسناد لازم الاجراء است و از طریق دواير اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل مطالبه و وصول می باشد.

تبصره ۳ - در صورتی که حادثه در حین آموزش رانندگی توسط مراکز مجاز یا آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد، خسارت پرداخت شده به وسیله شرکت بیمه از آموزش گیرنده یا آزمون دهنده قابل باز یافت نخواهد بود و حسب مورد آموزش دهنده یا آزمون گیرنده، راننده محسوب می شود.

ماده ۱۶ - چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاه های اجرائی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه گر و صندوق پس از پرداخت زیان دیده می تواند برای باز یافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می شود به مسببان ذی ربط مراجعه کند.

دستگاه های ذی ربط مجازند مسؤولیت کارکنان خویش را در قبال مسؤولیت های موضوع این ماده از محل اعتبارات جاری و تملک دارایی های سرمایه ای تحت اختیار، بیمه کنند.

تبصره - در صورتی که حسب نظریه افسران موضوع ماده (۱۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، نقص راه، وسیله نقلیه یا عامل انسانی مؤثر در بروز تصادف اعلام شود در صورت اعتراض ذی نفع، موضوع حسب مورد به کارشناس یا هیأت کارشناسان رسمی مستقل در امور مرتبط با موضوع از قبیل راه و مهندسی ترافیک، مکانیک و تصادفات با نظر دادگاه ارجاع می شود.

ماده ۱۷ - موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

الف - خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن

ب - خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو

پ - جریمه یا جزای نقدی

ت - اثبات قصد زیان دیده در ایراد صدمه به خود مانند خودکشی، اسقاط جنین و نظایر آن و نیز اثبات هر نوع خدعه و تبانی نزد مراجع قضائی

تبصره - در صورتی که در موارد بندهای (الف) و (ب) اختلافی وجود داشته باشد، معترض می تواند به مرجع قضائی صالح رجوع کند.

ماده ۱۸ - آیین نامه مربوط به تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیط آن توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد.

در آیین نامه مذکور باید عوامل زیر مدنظر قرار گیرد:

الف - ویژگی های وسیله نقلیه از قبیل نوع کاربری، سال ساخت و وضعیت ایمنی آن
 ب - سوابق رانندگی و بیمه ای دارنده شامل نمرات منفی و تخلفات ثبت شده توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موضوع قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، خسارت های پرداختی توسط بیمه گر یا صندوق، بابت حوادث منتسب به وی
 پ - رایج بودن استفاده از وسیله نقلیه برای اقشار متوسط و ضعیف شامل موتورسیکلت و خودروهای سواری ارزان قیمت.

در آیین نامه موضوع این ماده باید ملاحظات اجتماعی در تعیین حق بیمه وسایل نقلیه پرکاربرد اقشار متوسط و ضعیف جامعه مدنظر قرار گیرد.

تبصره ۱ - بیمه مرکزی موظف است با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ کند که حداکثر تا پایان برنامه پنج ساله ششم توسعه، امکان صدور بیمه نامه شخص ثالث بر اساس ویژگی های «راننده» فراهم شود. تا آن زمان، سوابق رانندگی و بیمه ای شخصی که پلاک وسیله نقلیه به نام اوست و خسارت های پرداختی بابت حوادث منتسب به وی ملاک عمل است.

تبصره ۲ - در آیین نامه موضوع این ماده نحوه تخفیف یا افزایش در حق بیمه به صورت پلکانی و متنظر به تفکیک در مورد خسارات مالی و بدنی تعیین می شود.

تبصره ۳ - نرخ نامه حق بیمه موضوع این قانون در ابتدای هر سال با رعایت آیین نامه مصوب هیأت وزیران به وسیله بیمه مرکزی محاسبه و پس از تأیید شورای عالی بیمه، ابلاغ می شود. در جلسات شورای عالی بیمه برای تعیین نرخ نامه موضوع این تبصره دبیر کل اتحادیه (سندیکای) بیمه گران و دو نفر صاحب نظر به انتخاب اتحادیه (سندیکای) بیمه گران ایران با حق رأی شرکت می کنند. همچنین رئیس کل بیمه مرکزی در جلسات مذکور حق رأی دارد.

تبصره ۴ - شرکت های بیمه می توانند تا دو و نیم درصد (۲٪ / ۵) کمتر از نرخ های مصوب شورای عالی بیمه را ملاک عمل خود قرار دهند. اعمال تخفیف بیشتر از دو و نیم درصد (۲٪ / ۵) توسط شرکت های بیمه، منوط به کسب مجوز از بیمه مرکزی است. بیمه مرکزی در اعطای این مجوز باید توانگری مالی شرکت و شرایط عمومی بازار و حفظ رقابت پذیری شرکت های بیمه را مدنظر قرار دهد. همچنین شرکت های بیمه می توانند در صورت ارائه خدمات ویژه به مشتریان، با تأیید بیمه مرکزی تا دو و نیم درصد (۲٪ / ۵) بیش از قیمت های تعیین شده توسط بیمه مرکزی، از بیمه گذار دریافت کنند.

تبصره ۵ - شرکت های بیمه موظف اند در چهارچوب ضوابط مربوط نسبت به اعطای تخفیف به رانندگانی که دوره های آموزشی رانندگی ایمن و کم خطر را سپری نموده و موفق به اخذ گواهینامه مربوط شده اند، اقدام کنند. آیین نامه مربوط به این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و نیروی انتظامی به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۱۹ - هرگونه قصور یا تقصیر بیمه گر یا نماینده وی در صدور بیمه نامه موضوع این قانون رافع مسؤولیت بیمه گر نیست.

ماده ۲۰ - پوشش های بیمه موضوع این قانون محدود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران است مگر آنکه در بیمه نامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

بخش سوم - حقوق و تعهدات صندوق

ماده ۲۱ - به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت های بدنی» جبران می شود.

تبصره ۱ - میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۸) با رعایت تبصره ماده (۹) و مواد (۱۰) و (۱۳) این قانون است.

تبصره ۲ - تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه گر مطابق مقررات این قانون، بر عهده شورای عالی بیمه است.

تبصره ۳ - صندوق مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه کند.

ماده ۲۲ - در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه در رشته بیمه شخص ثالث و ناتوانی آن از پرداخت خسارت به زیان دیدگان، به تشخیص بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه، یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی آن به وسیله دادگاه صالح، صندوق، خسارات بدنی که به موجب صدور بیمه نامه های موضوع این قانون به عهده بیمه گر است را پرداخته، پس از آن به قائم مقامی زیان دیدگان به بیمه گر مراجعه می کند.

تبصره ۱ - دادگاه مکلف است نسبت به صدور حکم انتقال اموال و دارایی های بیمه گر مذکور تا میزان مبالغ پرداختی و خسارات وارده به صندوق اقدام کند.

تبصره ۲ - در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه، پرداخت خسارات مالی که بر عهده شرکت بیمه مذکور است مشمول ماده (۴۴) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ خواهد بود.

ماده ۲۳ - در صورتی که زیان دیده، جز در موارد بیمه اختیاری، تمام یا بخشی از خسارت بدنی وارد شده را از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق های ویژه جبران خسارت دریافت کند، نسبت به همان میزان حق مراجعه به صندوق را ندارد. سازمان ها و صندوق های ویژه مذکور حق مراجعه به صندوق و استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را ندارند و مکلفاند اطلاعات مربوط را در اختیار صندوق قرار دهند. در هر حال در صورتی که زیان دیده علاوه بر دریافت خسارت از سازمان ها و صندوق های ویژه مذکور از صندوق نیز خسارتی دریافت کند، صندوق حق استرداد دارد.

ماده ۲۴ - منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

الف - هشت درصد (۸٪) از حق بیمه اجباری موضوع این قانون بر مبنای نرخ نامه مذکور در تبصره (۳) ماده (۱۸) این قانون

ب - مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه اجباری که از دارندگان وسیله نقلیه ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری کنند وصول می شود.

میزان مبلغ مذکور، نحوه وصول، تخفیف، تقسیط و بخشودگی آن به پیشنهاد بیمه مرکزی به تصویب مجمع عمومی صندوق می رسد.

پ - مبالغ بازیافتی از مسببان حوادث، دارندگان وسایل نقلیه، بیمه گران و سایر اشخاصی که صندوق پس از جبران خسارت زیان دیدگان مطابق مقررات این قانون حسب مورد دریافت می کند.

ت - درآمد حاصل از سرمایه گذاری وجوه صندوق با رعایت ماده (۲۷) این قانون

ث - بیست درصد (۲۰٪) از جریمه های وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور

ج - بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی

چ - جریمه های موضوع بند (پ) ماده (۴)، ماده (۴۴) و بند (ت) ماده (۵۷) این قانون

ح - کمک های اعطائی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی

تبصره ۱ - مدیر صندوق و هیأت نظارت مکلفاند هر سه ماه یکبار گزارش عملکرد بند (پ) را به اعضای مجمع عمومی صندوق اعلام کنند.

تبصره ۲ - کلیه درآمدهای منابع موضوع بندهای (ث) و (ج) به محض تحقق به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل کشور واریز می شود و صد درصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می یابد.

تبصره ۳ - در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین کند.

تبصره ۴ - درآمدهای صندوق مشمول مالیات به نرخ صفر بوده و از هرگونه عوارض معاف است. همچنین صندوق از پرداخت هزینه های دادرسی و اوراق و حق الاجراء معاف می باشد.

تبصره ۵ - صندوق می تواند با تصویب مجمع عمومی مربوط، حداکثر تا دو درصد (۲٪) از منابع مالی خود را جهت تعمیم امر بیمه، گسترش فرهنگ بیمه، ترغیب رانندگان فاقد بیمه نامه شخص ثالث به اخذ بیمه نامه و پیشگیری از زیان های ناشی از حوادث رانندگی از طریق عقد قرارداد با وزارتخانه ها و دستگاه های اجرائی ذی ربط از قبیل سازمان صداوسیما، وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان اختصاص دهد.

تبصره ۶ - در آرای غیابی برای باز یافت خسارات موضوع بند (پ) این ماده، صندوق می تواند بدون سپردن تأمین یا تضمین موضوع تبصره (۲) ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسبت به تقاضای اجرای احکام غیابی اقدام کند.

تبصره ۷ - دولت می تواند در بودجه های سنواتی بخشی از درآمدهای ناشی از فروش حامل های انرژی را به صندوق اختصاص دهد. در صورت تصویب به تناسب سهم صندوق از محل فروش بیمه نامه موضوع بند (الف) این ماده کاهش پیدا می کند.

ماده ۲۵ - صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت شده را باز یافت کند:

الف - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضاء یا بطلان بیمه نامه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

ب - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون باشد به بیمه گر و مدیران آن رجوع می کند.

پ - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته شدن آن حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه گر وی رجوع می کند.

ت - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

تبصره ۱ - در موارد زیر صندوق نمی تواند برای بازیافت به مسبب حادثه رجوع کند:

۱ - در موارد جبران کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه (پرداخت خسارت به استناد ماده (۱۳) این قانون)

۲ - تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون

۳ - در مواردی که زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه گر موضوع تبصره ماده (۱۲) این قانون باشند.

۴ - در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان دیده یا قائم مقام قانونی وی پرداخت می کند برای بازپرداخت مابه التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان

تبصره ۲ - صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه نامه، سوابق بیمه ای مسبب حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در بازیافت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند. نحوه بازیافت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به نحوه اجرای محکومیت های مالی و میزان بازیافت مطابق آیین نامه ای است که بنا به پیشنهاد هیأت نظارت صندوق و مجمع عمومی صندوق به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

ماده ۲۶ - اسناد مربوط به مطالبات و پرداخت های خسارت صندوق در حکم اسناد لازم الاجراء است و از طریق دواير اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک قابل مطالبه و وصول می باشد.

ماده ۲۷ - صندوق مجاز است موجودی نقدی مازاد خود را نزد بانک های دولتی سپرده گذاری و یا اوراق بهادار بدون خطر (ریسک) خریداری کند مشروط بر آنکه سرمایه گذاری های مذکور به نحوی برنامه ریزی شود که همواره امکان انجام تعهدات صندوق وجود داشته باشد.

ماده ۲۸ - صندوق، نهاد عمومی غیردولتی است و چگونگی اداره آن بر اساس اساسنامه ای است که با رعایت موارد زیر و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی تهیه می شود و ظرف مهلت شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد:

الف - ارکان صندوق عبارتند از: مجمع عمومی، هیأت نظارت، مدیر صندوق و حسابرس

ب - اعضای مجمع عمومی صندوق عبارت از وزرای امور اقتصادی و دارایی به عنوان رئیس مجمع، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دادگستری و صنعت، معدن و تجارت، دادستان کل کشور (بدون حق رأی) و رئیس کل بیمه مرکزی است. مجمع عمومی صندوق حداقل یک بار در سال تشکیل می شود. مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نیز به تقاضای هر یک از اعضاء به دعوت رئیس مجمع تشکیل می شود.

یکی از نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، به پیشنهاد کمیسیون مذکور و تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی در جلسات مجمع شرکت می کند. مدیر صندوق بدون حق رأی دبیر مجمع عمومی است.

پ - اعضای هیأت نظارت صندوق عبارت از نمایندگان وزرای امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری، دادستان کل کشور (بدون حق رأی)، بیمه مرکزی و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران ایران است. اعضای هیأت نظارت غیر از مدیر صندوق به صورت غیرموظف خواهند بود؛

تبصره - نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی در هیأت نظارت، مدیر صندوق است که دبیر هیأت نظارت نیز خواهد بود. مدیرعامل ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند بدون حق رأی در جلسات هیأت نظارت شرکت می کند.

ت - مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی و تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم رئیس مجمع عمومی برای مدت چهار سال منصوب می شود. انتخاب مجدد مدیر صندوق برای یک دوره بلامانع است. مجمع عمومی می تواند نسبت به عزل مدیر صندوق قبل از پایان مدت مذکور اتخاذ تصمیم کند.

ث - مرکز اصلی صندوق، تهران است. در صورت لزوم با تصویب مجمع عمومی می تواند در مراکز استان ها شعبه ایجاد یا نمایندگی اعطاء کند. اقامه دعوی علیه صندوق در محل استقرار شعب صندوق نیز ممکن است.

وظایف و اختیارات مجمع عمومی، هیأت نظارت و مدیر صندوق و نیز نحوه انتخاب و وظایف و اختیارات حسابرس به موجب اساسنامه مصوب هیأت وزیران تعیین می شود.

ماده ۲۹ - کلیه اختلافات بین صندوق و شرکت های بیمه که ممکن است در اجرای این قانون به وجود آید به وسیله هیأتی مرکب از دو نفر حقوقدان آشنا با حقوق بیمه به انتخاب وزیر دادگستری و سه متخصص بیمه به انتخاب بیمه مرکزی، صندوق و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران هر کدام یک نفر حل و فصل می شود. ملاک تصمیم گیری، رأی اکثریت اعضای هیأت است و رأی صادر شده لازم الاجراء می باشد. هریک از طرفین می تواند ظرف مدت بیست روز از ابلاغ رأی در مرجع قضائی ذی صلاح اقامه دعوی کند.

ماده ۳۰ - اشخاص ثالث زیان دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت های بدنی مراجعه کنند. همچنین مسبب حادثه می تواند با ارائه مدارک لازم جهت تشکیل پرونده پرداخت خسارت به زیان دیده حسب مورد به بیمه گر یا صندوق مراجعه کند.

آیین نامه اجرائی این ماده توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

بخش چهارم - پرداخت خسارت

ماده ۳۱ - بیمه گر و صندوق حسب مورد مکلف اند حداکثر پانزده روز پس از دریافت مدارک مورد نیاز، خسارت متعلقه را پرداخت کنند.

ماده ۳۲ - در حوادث منجر به خسارت بدنی، زیان دیده، اولیای دم یا وراث قانونی موظف اند پس از قطعی شدن مبلغ خسارت برای تکمیل مدارک به منظور دریافت خسارت، به بیمه گر مراجعه کنند. بیمه گر مکلف است حداکثر ظرف مدت بیست روز از تاریخ قطعی شدن مبلغ خسارت، مبلغ خسارت را به زیان دیده پرداخت و در صورت عدم مراجعه وی در مهلت مذکور نزد صندوق تودیع و قبض واریز را به مرجع قضائی مربوط تحویل دهد. در این صورت تعهد بیمه گر و مسبب حادثه، ایفاء شده تلقی می شود. صندوق مکلف است بلافاصله پس از درخواست زیان دیده مبلغ مذکور را عیناً به وی پرداخت نماید.

تبصره ۱ - در مواردی که صندوق مطابق مقررات این قانون رأساً مکلف به پرداخت خسارت بدنی است، پس از قطعی شدن مبلغ خسارت چنانچه زیان دیده یا قائم مقام وی تا بیست روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی به وی برای دریافت خسارت به صندوق مراجعه نکند، مبلغ مذکور به عنوان امانت نزد صندوق باقی مانده و در زمان مراجعه زیان دیده یا قائم مقام قانونی وی عیناً پرداخت می شود.

تبصره ۲ - در مواردی که رأی صادر شده از دادگاه بدوی، صرفاً از جنبه عمومی مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته باشد، زیان دیده یا وراث قانونی و بیمه گر یا صندوق باید طبق مفاد این ماده اقدام کنند.

تبصره ۳ - ملاک قطعی شدن میزان خسارت موضوع این ماده، قطعیت حکم دادگاه است.

ماده ۳۳ - چنانچه بیمه گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارک، تکلیف مقرر در ماده (۳۱) این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه گر تکلیف مقرر در ماده (۳۲) این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه ای معادل نیم در هزار به ازای هرروز تأخیر در حق زیان دیده یا قائم مقام وی محکوم می شود.

ماده ۳۴ - در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر از فوت، در صورت مطالبه زیان دیده، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب ۶ / ۷ / ۱۳۸۴ (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) و پزشکی قانونی، بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق، حسب مورد مکلف اند بلافاصله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان دیده پرداخت کرده و باقی مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه با رعایت مواد (۳۱) و (۳۲) این قانون بپردازند.

ماده ۳۵ - هزینه های معالجه اشخاص ثالث زیان دیده و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد، با لحاظ ماده (۳۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) حسب مورد بر عهده بیمه گر مربوط یا صندوق است.

ماده ۳۶ - در حوادث منجر به فوت، در صورت مطالبه اولیای دم یا قائم مقام متوفی یا درخواست مسبب حادثه بدون نیاز به رأی مراجع قضائی، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی، کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق حسب مورد می توانند خسارت بدنی را به ورثه قانونی متوفی با رعایت ماده (۳۱) این قانون بپردازند.

در صورت عدم مطالبه نیز، بیمه گر می تواند بدون نیاز به رأی مرجع قضائی خسارت بدنی را مطابق ماده (۳۲) این قانون به صندوق تودیع کند.

تبصره - چنانچه علی رغم وجود گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن (موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی) و نظر نهائی پزشکی قانونی، شرکت بیمه پرداخت خسارات بدنی را موکول به رأی دادگاه کند، پس از صدور رأی مکلف به پرداخت خسارات بدنی به قیمت یوم الاداء بوده و نمی تواند بابت مابه التفاوت خسارت پرداختی و میزان تعهد وی (موضوع ماده (۱۳) این قانون) به صندوق رجوع کند.

ماده ۳۷ - بیمه گر، صندوق یا مسبب حادثه به میزان درصد دیه ای که به زیان دیده پرداخت شده یا مطابق ماده (۳۲) این قانون و تبصره آن به صندوق تودیع شده است، بریء الذمه هستند.

ماده ۳۸ - هرگاه پس از اینکه بیمه گر یا صندوق به موجب این قانون خسارتی را پرداخت کند و به موجب حکم قطعی، برای پرداخت تمام یا بخشی از خسارت مسئول شناخته نشوند، بیمه گر یا صندوق می تواند به همان میزان به محکوم علیه حکم قطعی، رجوع کند.

ماده ۳۹ - در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است در صورت تقاضای زیان دیده، وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان دیده باشد تعمیر نموده و هزینه های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه نامه مذکور پرداخت کند.

تبصره - در صورتی که اختلاف از طریق مذکور حل و فصل نشود، موضوع به یک ارزیاب خسارت (دارای مجوز ارزیابی خسارت از بیمه مرکزی) به انتخاب و هزینه زیان دیده ارجاع می شود. هریک از طرفین ظرف مدت بیست روز از تاریخ اعلام نظر کتبی ارزیاب می توانند در مرجع صالح، اقامه دعوی کنند. در صورت عدم طرح دعوی توسط طرفین در مهلت مقرر نظر ارزیاب خسارت، قطعی و لازم الاجراء است. هزینه ارزیابی خسارت بر اساس تعرفه ای است که در ابتدای هر سال توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی بیمه می رسد. بیمه مرکزی موظف است در صدور مجوز ارزیابی خسارت به گونه ای عمل کند که در تمام شهرستان ها متناسب با نیاز آن شهرستان، ارزیاب خسارت وجود داشته باشد.

ماده ۴۰ - شرکت های بیمه مکلفاند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی موضوع این قانون را در مواردی که وسایل نقلیه مسبب و زیان دیده در زمان حادثه دارای بیمه نامه معتبر بوده و بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد، حداکثر تا سقف تعهدات مالی مندرج در ماده (۸) این قانون بدون اخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت کنند.

بخش پنجم - تکالیف سایر نهادها و دستگاه های مرتبط

ماده ۴۱ - به منظور ساماندهی امور مربوط به حوادث رانندگی، دولت مکلف است «سامانه جامع حوادث رانندگی» را مطابق مقررات این قانون با مشارکت همه دستگاه های ذی ربط ایجاد و نسبت به روزآمد کردن و تحلیل مستمر داده های آن اقدام کند.

نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مراکز فوریت های پزشکی (اورژانس) و بیمارستان ها)، سازمان پزشکی قانونی و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران موظفاند اطلاعات مربوط به سوانح رانندگی را فوراً در سامانه مذکور ثبت کنند.

قوه قضائیه نیز مکلف است اطلاعات مربوط به آرای قضائی راجع به حوادث رانندگی را در سامانه مذکور قرار دهد.

دولت موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون، سامانه مزبور را راه اندازی و دسترسی برخط (آنلاین) به آن را برای کلیه واحدهای نیروی انتظامی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شرکت های بیمه، صندوق و واحدهای قضائی فراهم کند.

تبصره - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است همزمان با تعویض پلاک وسیله نقلیه، مشخصات مالک جدید را در «سامانه جامع حوادث رانندگی» درج کند. همچنین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز مکلف است اسناد تنظیم شده در خصوص وسایل نقلیه مانند نقل و انتقال، وکالت و رهن را در سامانه مذکور درج کند.

ماده ۴۲ - حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه نامه موضوع این قانون ممنوع است. کلیه دارندگان وسایل مزبور مکلف اند سند حاکی از انعقاد قرارداد بیمه را هنگام رانندگی همراه داشته باشند و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه ارائه کنند. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظف اند از طرق مقتضی مانند دوربین های نظارت ترافیکی ضمن شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه نسبت به اعمال جریمه های مربوط اقدام کنند. همچنین مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظف اند در صورت احراز فقدان بیمه نامه، وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه موضوع این قانون را تا هنگام ارائه بیمه نامه مربوط در محل مطمئنی متوقف کنند. آیین نامه مربوط به نحوه توقیف وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه شخص ثالث ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه های راه و شهرسازی و دادگستری و بیمه مرکزی تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تبصره - نیروی انتظامی مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش اجرای این ماده را به دادستانی کل کشور، بیمه مرکزی و کمیسیون های قضائی و حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

ماده ۴۳ - بیمه مرکزی و شرکت های بیمه موظف اند ترتیبی اتخاذ کنند که با استفاده از ابزار مناسب، امکان شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه موضوع این قانون برای پلیس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه فراهم شود.

ماده ۴۴ - دادن بار یا مسافر و یا ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه نامه شخص ثالث معتبر، از سوی شرکت ها و مؤسسات حمل و نقل بار و مسافر درون شهری و برون شهری ممنوع است. نظارت بر حسن اجرای این ماده بر عهده وزارتخانه های کشور و راه و شهرسازی می باشد تا حسب مورد، شرکت ها و مؤسسات متخلف را به مراجع مذکور در تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی معرفی نمایند.

در صورت احراز تخلف شرکت ها و مؤسسات مذکور توسط مراجع یادشده، پروانه فعالیت آنان از یک ماه تا یک سال معلق و در صورت تکرار تخلف یادشده برای بار چهارم به صورت دائم لغو می شود.

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است امکان احراز اصالت بیمه نامه از طریق سامانه های الکترونیکی را به صورت برخط برای وزارتخانه های راه و شهرسازی و کشور فراهم کند.

تبصره - اعتراض به هر نوع تصمیمات مراجع دولتی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در دیوان عدالت اداری رسیدگی می شود.

ماده ۴۵ - ارائه هرگونه خدمات به وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه و رفع توقیف از آنها، توسط راهنمایی و رانندگی، دفاتر اسناد رسمی و سازمان ها و نهادهای مرتبط با امر حمل و نقل از قبیل تعویض پلاک و وسیله نقلیه، تنظیم اسناد رسمی معاملات وسایل مذکور ممنوع می باشد. عدم اجرای تکالیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می شود.

تبصره - انتقال وسایل نقلیه اسقاطی به مراجع و نهادهای ذی ربط و نیز انتقال وسایل نقلیه مشمول خسارت بیمه بدنه به بیمه گر مربوط، از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۴۶ - عقد هرگونه قرارداد حمل و نقل بار یا مسافر از سوی دستگاه های اجرائی و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مراکز آموزشی و کلیه اشخاص حقوقی در مواردی که به موجب قوانین و مقررات مربوطه مجاز می باشد با دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه نامه شخص ثالث معتبر، ممنوع است. عدم اجرای تکالیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می شود.

ماده ۴۷ - نیروی انتظامی مکلف است ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، کلیه واحدهای ثابت و سیار راهنمایی و رانندگی و پلیس راه را به ابزار لازم برای استعمال برخط وضعیت بیمه شخص ثالث وسایل نقلیه، تجهیز و سامانه موردنیاز را طراحی یا تکمیل کند.

ماده ۴۸ - ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت مکلف است از صدور هرگونه کارت سوخت و تخصیص اولیه سهمیه یا ادامه آن برای وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه خودداری کند.

تبصره - بیمه مرکزی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفاند اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه مذکور را به صورت برخط در اختیار ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت قرار دهند.

ماده ۴۹ - مراجع قضائی مکلفاند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه نامه معتبر و مکفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه قرار تأمین صادر کنند.

تبصره - عدم اجرای این ماده مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ برای متخلف است. بیمه مرکزی مکلف است با رعایت مفاد ماده (۵۶) این قانون اطلاعات مربوط به بیمه نامه و بیمه گذاران را به نحوی در اختیار قوه قضائیه قرار دهد که امکان دسترسی مراجع قضائی برای بررسی اصالت بیمه نامه وجود داشته باشد.

ماده ۵۰ - کلیه مراجع قانونی رسیدگی به دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی از قبیل دادسرا و دادگاه های رسیدگی کننده به دعاوی ناشی از حوادث موضوع این قانون مکلفاند صندوق یا شرکت بیمه مربوط را در مواردی که صندوق یا شرکت بیمه، طرف دعوی نباشند از طرح دعوی علیه مسبب حادثه مطلع نموده، زمان تشکیل جلسات دادگاه را رسماً به آنان اطلاع دهند. همچنین دادگاه مکلف است پس از صدور رأی، نسخه ای از رأی صادرشده را به آن ها ابلاغ کند. در این موارد، بیمه گر یا صندوق می توانند با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به خسارات بدنی و مالی در دعوی واردشده یا پس از صدور رأی قطعی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی اعتراض ثالث کنند.

تبصره ۱ - اعتراض ثالث شرکت بیمه یا صندوق مانع از اجرای حکم نیست.

تبصره ۲ - عدم اعلام مراتب طرح دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی موضوع این قانون حسب مورد به بیمه گر مربوط یا صندوق یا عدم ابلاغ رأی به آن ها مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات است.

ماده ۵۱ - طرح دعوای واهی واهی موضوع تبصره ماده (۱۰۹) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در دعوای راجع به حوادث رانندگی توسط صندوق یا بیمه گر - اعم از اینکه به صورت ورود ثالث یا اعتراض ثالث یا تجدیدنظرخواهی باشد - در صورتی که منجر به تأخیر در پرداخت خسارت شود، مشمول ماده (۳۳) این قانون می شود.

ماده ۵۲ - قوه قضائیه مکلف است تا پایان پانزدهم اسفند هر سال میزان ریالی دیه موضوع ماده (۵۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ را تعیین و برای اجراء از ابتدای سال بعد اعلام کند.

ماده ۵۳ - ادارات راهنمایی و رانندگی و پلیس راه حسب مورد مکلفاند علاوه بر ثبت جزئیات حادثه در «سامانه جامع حوادث رانندگی»، نسخه ای از آن را به زیان دیده و مسبب حادثه تسلیم نموده، رسید دریافت نمایند.

عدم اجراء تکلیف مذکور مستوجب مجازات مقرر برای لغو دستور موضوع ماده (۳۸) قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ است.

ماده ۵۴ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به بانک های اطلاعاتی آن نیرو در ارتباط با موضوعات موردنیاز از قبیل مشخصات وسایل نقلیه و دارندگان آنها و گواهینامه های صادرشده و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگان، از طریق سامانه های الکترونیکی به صورت برخط برای مراجع قضائی، صندوق و بیمه مرکزی فراهم شود. اخذ گواهینامه نیازمند کارت پایان خدمت و معافیت سربازی نیست.

ماده ۵۵ - شرکت های بیمه مجاز به فعالیت در رشته بیمه موضوع این قانون مکلفاند ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون با استفاده از سامانه های الکترونیکی امکان دسترسی به کلیه اطلاعات موردنیاز بیمه مرکزی در رابطه با بیمه نامه های صادرشده و خسارت های مربوط به آنها را به صورت برخط برای بیمه مرکزی فراهم کنند.

ماده ۵۶ - بیمه مرکزی مکلف است ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به اطلاعات مذکور در مواد (۵۴) و (۵۵) این قانون برای کلیه مراجع قضائی، شرکت های بیمه ذی ربط، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و صندوق فراهم شود.

ماده ۵۷ - بیمه مرکزی بر حسن اجرای این قانون نظارت نموده و در صورت قصور یا تخلف هر یک از شرکت های بیمه در اجرای قانون، اقدامات زیر را به عمل می آورد. اعمال موارد زیر متناسب با نوع قصور یا تخلف و تعدد و تکرار آن به موجب آیین نامه ای است که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد:

الف - توبیخ کتبی مدیران شرکت بیمه

ب - سلب صلاحیت حرفه ای مسئول فنی یا مدیر یا معاون فنی یا مدیرعامل یا هیأت مدیره شرکت بیمه، برای حداکثر پنج سال با تأیید شورای عالی بیمه

پ - سلب صلاحیت افراد موضوع بند (ب) به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

ت - محکوم نمودن شرکت بیمه به پرداخت جریمه نقدی حداکثر تا مبلغ بیست برابر حداقل تعهدات بدنی موضوع ماده (۸) این قانون در زمان پرداخت

ث - تعلیق فعالیت شرکت بیمه در یک یا چند رشته بیمه برای حداکثر یک سال با تأیید شورای عالی بیمه

ج - لغو پروانه فعالیت در یک یا چند رشته بیمه به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

تبصره ۱ - در مورد بندهای (ت)، (ث) و (ج) این ماده، بیمه مرکزی نظر مشورتی و تخصصی اتحادیه بیمه گران ایران را قبل از اتخاذ تصمیم، اخذ می کند. چنانچه اتحادیه ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت نامه بیمه مرکزی، کتباً نظر خود را اعلام نکند بیمه مرکزی رأساً اقدام می کند.

تبصره ۲ - در صورت سلب صلاحیت اکثریت هیأت مدیره شرکت بیمه حسب اعلام بیمه مرکزی، بیمه مرکزی با تأیید شورای عالی بیمه می تواند برای اداره امور شرکت فرد واجد شرایطی را به عنوان سرپرست شرکت بیمه تا زمان تعیین و تأیید اعضای جدید هیأت مدیره منصوب کند. صاحبان سهام شرکت بیمه (مجمع) موظف اند حداکثر ظرف مدت یک ماه اعضای هیأت مدیره جدید خود را معرفی کنند تا پس از تأیید توسط بیمه مرکزی جایگزین اعضای قبلی سلب صلاحیت شده شوند و بر اساس قانون تجارت شرکت را اداره کنند. سرپرست جدید منصوب تا زمان جایگزینی اعضای هیأت مدیره جدید دارای اختیارات هیأت مدیره شرکت است و مسؤولیت کلیه اقدامات او بر عهده بیمه مرکزی است. حقوق و مزایای سرپرست منصوب تا تعیین مدیرعامل که حداکثر سه ماه می باشد توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و پس از تصویب مجمع شرکت به سرپرست منصوب پرداخت می شود.

تبصره ۳ - جریمه موضوع بند (ت) این ماده به حساب اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل واریز و با پیش بینی در بودجه های سنواتی به صندوق مذکور تخصیص داده می شود. عدم پرداخت جریمه از سوی شرکت بیمه در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی است.

تبصره ۴ - نحوه وصول، تخفیف و یا بخشودگی جریمه موضوع بند (ت) این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

تبصره ۵ - رسیدگی به اعتراض شرکت های بیمه در خصوص تصمیم بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه مبنی بر اعمال مجازات های مندرج در این ماده (به جز بند «الف») بر عهده کمیسیونی متشکل از یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس کمیسیون)، نماینده بیمه مرکزی و یک نفر نماینده اتحادیه (سندیکای) بیمه گران می باشد. تصمیم گیری کمیسیون مذکور با اکثریت آرای اعضاء، لازم الاجراء و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ حسب مورد قابل اعتراض در مرجع قضائی ذی صلاح است. دبیرخانه این کمیسیون در بیمه مرکزی مستقر می باشد.

ماده ۵۸ - بیمه مرکزی مکلف است مطابق مقررات مربوط بر اجرای تعهدات شرکت های بیمه و نحوه محاسبه ذخایر آنها در رشته بیمه شخص ثالث نظارت نموده و از کفایت ذخایر مذکور جهت ایفای تعهدات آتی شرکت های بیمه اطمینان حاصل کند.

شرکت های بیمه مکلف اند ذخایر تأیید شده از سوی بیمه مرکزی را در دفاتر و صورت های مالی خود، مطابق دستورالعمل بیمه مرکزی ثبت کنند.

بخش ششم - مقررات کیفری

ماده ۵۹ - عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق از سوی بیمه گر یا نمایندگی آنان، مصرف درآمدهای صندوق در غیر از موارد مصرح قانونی و همچنین عدم اجرای تکالیف مقرر در مواد (۴۵) و (۴۶) و (۴۸) این قانون علاوه بر تخلف اداری یا انتظامی در حکم دخل و تصرف در وجوه عمومی است.

ماده ۶۰ - فروش هر نوع بیمه نامه یا مبادرت به عملیات بیمه گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی، در حکم کلاهبرداری است و مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری، ضامن جبران خسارت وارده حسب مورد به زیان دیده یا صندوق به نرخ روز جبران می باشد.

ماده ۶۱ - هر کس با انجام اعمال متقلبانه مانند صحنه سازی صوری تصادف، تعویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت خسارت دریافت کند، به حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی محکوم می شود. شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می باشد.

ماده ۶۲ - هرگاه شخصی برخلاف واقع خود را به عنوان راننده وسیله نقلیه مسبب حادثه معرفی کند به مجازات حبس درجه هفت محکوم می شود؛ راننده نیز چنانچه در این امر تبانی کرده باشد به مجازات مذکور محکوم می شود.

ماده ۶۳ - در صورتی که مسؤولیت مسبب حادثه مشمول تعهدات بیمه گر باشد، جز در موارد مصرح در ماده (۱۵) این قانون، مقررات مربوط به نحوه اجرای محکومیت های مالی در خصوص وی قابل اجراء نیست.

بخش هفتم - مقررات نهائی

ماده ۶۴ - کلیه آیین نامه های اجرائی این قانون جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده است، ظرف مدت یک سال از تاریخ ابلاغ آن توسط بیمه مرکزی و شورای عالی بیمه تهیه می شود و پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می رسد. مادامی که آیین نامه های مذکور، تهیه و تصویب نشده است، آیین نامه های اجرائی موجود، در حدودی که مغایر این قانون نباشد معتبر است.

ماده ۶۵ - بیمه نامه های صادره پیش از لازم الاجراء شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴)، مواد (۱۱)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۵)، (۳۰) و ماده (۳۲) و تبصره های آن، مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۶۰) در مورد بیمه نامه هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم الرعایه است.

ماده ۶۶ - از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، «قانون اصلاح قانون بیمه مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷» نسخ می شود. هرگونه نسخ یا اصلاح مواد این قانون باید صریحاً در قوانین بعدی قید شود.

قانون فوق مشتمل بر شصت و شش ماده و پنجاه و پنج تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیستم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۲۹ / ۲ / ۱۳۹۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

پایان مدنی ۴ - داود بلدی - ویرایش نهایی - زمستان ۱۳۹۵